

تدوین بسته‌های رونق تولید و اشتغال در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی

✱ معاون اول رئیس جمهوری: این بسته‌ها شامل ۵ محور اصلی است که به استان‌ها و دستگاه‌های مختلف ابلاغ خواهد شد
✱ دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و قضایی نباید بی‌جهت با بخش خصوصی برخورد کنند

صفحه ۴

چهارشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۶ - ۱۴ رجب ۱۴۳۸ - ۱۲ آوریل ۲۰۱۷ - سال نویکم - شماره ۲۶۶۹۲ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - استان های تهران و البرز ۵۰۰ تومان - سایر استان ها ۳۰۰ تومان

رهبر معظم انقلاب در دیدار نوروزی جمعی از مسئولان نظام:

وارداتی باید متوقف شود که تولید را تعطیل می‌کند

منظور از منع واردات، واردات کالاهایی نیست که در داخل به‌قدر کافی تولید نمی‌شوند

یا واردات آنها می‌تواند برای تولید داخل الگو قرار گیرد



✱ همه بدانند اگر کارخانه و تولید داخلی راه نیفتد، اشتغال ایجاد نمی‌شود و نتیجه بیکاری، آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد، فساد، مشکلات خانوادگی و نارضایتی از نظام و دولت است

✱ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از برخی بر داشت‌های نادرست از سخنان ابتدای سال ایشان درباره جلوگیری از واردات انتقاد کردند

✱ باید بر روی تولید و اشتغال متمرکز شوید و این هدف صرفاً با دستور دادن مسئولان ارشد محقق نمی‌شود، بلکه به نظارت و پیگیری جدی نیاز دارد

✱ انسان خردمند و عاقبت‌اندیش از همه ساعات و لحظات برای خدمت و انجام کار خیر استفاده می‌کند

✱ امروز سعادت یا شقاوت کشور در دست ما مسئولان است و این ما هستیم که می‌توانیم با تصمیم و عمل درست، مردم و جوانان را سعادتمند و اهل بهشت کنیم

✱ در نظام اسلامی باید احکام و سبک زندگی اسلامی پیاده شود و فرهنگ جامعه در همه ابعاد، منطبق بر آموزه‌های قرآنی باشد

✱ اگر انگیزه اسلامی وجود نداشت، آن گستره عظیم جوانان وارد کارزار دفاع مقدس نمی‌شدند و از خانواده و راحت زندگی خود نمی‌گذشتند

صفحه ۲

مجلس خبرگان
انتخاب بهتر
رفاه بیشتر
و انتخاب

صفحه ۲

گزارش
انتخاب بهتر
رفاه بیشتر

صفحه ۵

نگاهی‌های ارزشمند
اصلاح نظام
اداری و آموزشی

دکتر رضا داری اردکانی
صفحه ۶



تخصصی
تهران
روی کمر بند زلزله

صفحه ۷



همایش
سفر
به دیار غیرت

صفحه ۱۱



ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای سازمان حفاظت محیط زیست

۱۱۱ م‌الف رجوع به صفحه ۵

روزنامه اطلاعات سال ۱۳۶۴

قیمت هر DVD ۴۰۰۰ تومان

آگهی مناقصه شرکت سهامی مزرعه نمونه در نظر دارد بخشی از نیروی انسانی (کارگری) مورد نیاز خود را توسط شرکت‌های خدماتی مورد تأیید وزارت کار و امور اجتماعی تأمین نماید، لذا متقاضیان محترم می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه حداکثر ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به آدرس: گرگان میدان سرخواجه، معاونت بازرگانی و توسعه تجارت شرکت سهامی مزرعه نمونه مراجعه و اسناد را دریافت نمایند و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۳۲۲۸۸۳ - ۰۱۷ تماس حاصل فرمایند.

شرایط شرکت در مناقصه:

۱- سبده شرکت در مناقصه مبلغ ۲,۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.

۲- شرکت در قبول یارد یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.

۳- تاریخ توزیع اوراق ۹۶/۰۱/۲۳ الی ۹۶/۰۱/۲۶ می‌باشد.

۴- مهلت تحویل پاکات ۹۶/۰۲/۰۷ می‌باشد.

۵- مهلت تحویل پاکات ۹۶/۰۲/۰۹ ساعت ۹ صبح می‌باشد.

۶- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

معاونت بازرگانی و توسعه تجارت شرکت سهامی مزرعه نمونه

م‌الف: ۳۳۴۱۶

آگهی مناقصه عمومی نوبت دوم

دستگاه مناقصه‌گزار: شهرداری بافق

موضوع مناقصه: انجام خدمات حفاظت و نگهداری از اماکن شهرداری

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲۹۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

زمان تحویل اسناد مناقصه: ۹۶/۰۱/۲۹

تلفن تماس: ۳۵۳۲۴۲۰۰

نحوه خرید اسناد: به صورت اینترنتی در سایت شهرداری بافق به نشانی www.bafgh.ir

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۲۸۳

فرماندهی آمادو پشتیبانی مرکز نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

در نظر دارد تعداد ۵ قلم نیازمندی نخ مورد نیاز خود را به شرح زیر از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید، لذا از کلیه تولیدکنندگان و فروشندگان عمده دعوت به عمل می‌آید از تاریخ ۹۶/۱۲/۱۱ لغایت مورخه ۹۶/۲/۲۳ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی و واریز مبلغ ۳۰۰,۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۱۰۴۷۹۰۱۱۰۴ نزد بانک سپه به نام رابط متمرکز عواید داخلی ف‌ آمویشی مرکز نزاجا به آدرس زیر مراجعه و برگ شرایط و مشخصات مربوطه را اخذ نمایند.

ردیف	نیازمندی	تعداد
۱	نخ و سبکوز ۳۰	۲۰,۰۰۰ کیلوگرم
۲	نخ اسپاندکس	۱۲,۰۰۰ کیلوگرم
۳	نخ کش ۱۱۰ لیان	۲,۰۰۰ کیلوگرم
۴	نخ ترویرا ۳۰۰ مشکی	۱,۵۰۰ کیلوگرم
۵	نخ ترویرا ۳۰۰ سفید	۱,۵۰۰ کیلوگرم

آدرس: تهران - اقدسیه - ابتدای بزرگراه ارتش - با دکان فرماندهی آماد و پشتیبانی مرکز نزاجا (پیروان ولایت) - مدیریت خرید و پیمان. تلفن: ۲۲۲۹۲۴۱۴

آگهی فراخوان موضوع: مناقصه شماره ۹۵۱۴۷ خرید البسه استحقاقی سال ۱۳۹۵ XLS-53217-TE

نوبت دوم

ادکشاف - طبقه دوم امور حقوقی و قراردادها اعلام و نسبت به دریافت مدارک ارزیابی کیفی وفق بند «ج» ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی کیفی) اقدام نمایند. ضمناً بایستی اطلاعات مورد درخواست را طی نامه‌ای حداکثر تا پایان وقت اداری ۹۶/۲/۱۳ در قالب یک عدد روزنک مدارک ارزیابی کیفی برابر باصل شده و یک حلقه لوح فشرده تهیه و به آدرس فوق‌الاشاره در مقابل رسید تحویل گردد. بدیهی است کارفرما این حق را برای خود محفوظ می‌دارد به مدارکی که پس از انقضای مهلت مقرر ارائه می‌گردد ترتیب اثر ندهد.

ارائه فرم خوداظهاری در سایت ep.mop.ir منبني بر ميزان ظرفیتهای اشغال شده و ظرفیت آزاد و مبالغ آن

اسناد و مدارک مناقصه بین شرکت‌ها واجد شرایط که به تشخیص مناقصه‌گزار تعیین صلاحیت خواهند شد، توزیع خواهد گردید.

(محل، زمان و بهمه در یافت اسناد، تحویل و گشایش پیشنهادات متعاقباً به اطلاع خواهد رسید). بدیهی است ارائه مدارک فوق‌الذکر هیچگونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با تلفن ۰۲۱-۸۲۷-۳۳۰۱ تماس حاصل نمایند.

WWW.SHANA.IR
WWW.NIOCEXP.IR
WWW.IETSPORG.IR

رابط عمومی مدیریت اکتشاف

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

۹۶/۰۱/۲۱ - ۱/۴۸۱/۸۱۵

۱- مناقصه‌گزار: مجتمع دخانیات مازندران

۲- موضوع: حمل و نقل محموله توتونی مجتمع دخانیات مازندران

۳- بشرایط متقاضیان: کلیه داوطلبان واجد شرایط

۴- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۶۹۰,۹۰۰,۰۰۰ ریال واریز به حساب جاری جام ۱۵۵۱۰۷۰۴۴۴ اداره بازرگانی مرکز ساری ک ۵۸۵۶۰ با ضمانت‌نامه بانکی سه ماهه

۵- محل دریافت و تحویل اسناد: مازندران، ساری، ابتدای خیابان شهید پورابراهیمی (دخانیات)، اداره بازرگانی مجتمع دخانیات مازندران، یا از طریق سایت <http://iets.mporg.ir>

۶- قیمت اسناد: ۱۰۰,۰۰۰ ریال واریز نقدی به شماره حساب ۱۵۵۱۰۷۰۴۴۴ جام نزد بانک ملت به نام مجتمع دخانیات مازندران

۷- مهلت فروش اسناد: از تاریخ ۹۶/۰۱/۲۱ لغایت ۹۶/۰۲/۰۲ می‌باشد.

۸- مهلت تحویل اسناد: تا ساعت ۱۴:۳۰ مورخ ۹۶/۰۲/۱۶ می‌باشد.

۹- هزینه آگهی: بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۱۱-۳۳۲۳۳۰۲ اداره بازرگانی مجتمع دخانیات مازندران در مجتمع دخانیات مازندران تماس حاصل فرمائید.

مجتمع دخانیات مازندران در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

قابل توجه فرهنگدستان

از سایت فروشگاه اینترنتی

انتشارات اطلاعات بازدید کنید.

بایبوستن به سایت فروشگاه اینترنتی

انتشارات اطلاعات کتاب مورد علاقه خود را تهیه نمایید.

www.ketabettelaat.com

واحد اطلاع رسانی انتشارات اطلاعات

سماوات و خرابات

تألیف دکتر مرتضی الهی قمشهای

قطع رقعی، چاپ اول، ۲۱۶ صفحه، ۹۰۰۰ تومان

مرتضی الهی قمشهای فوق دکتر ی ژئوفیزیک دارد و سال‌ها ریاست انجمن جئوترمال کانادا را بر عهده داشته و اکنون استاد دانشگاه و مشاور بین‌المللی در زمینه اکتشافات و بهره‌برداری از انرژی زمین گرمایی است. وی در کنار این فعالیت‌ها، به سخنرانی و تألیف در زمینه عرفان و ادب فارسی نیز می‌پردازد. دکتر قمشهای در کتاب حاضر نشان می‌دهد بشر امروز که بیش از هر زمان دیگری از روح جمعی خود دور افتاده و به فرگیری روی آورده است، در این زمان بحرانی باید به سراغ منابع فرهنگی خود برود که همان

واشنگتن مدعی آمادگی چین برای اقدام علیه کره شمالی شد

✱ وزیر خارجه آمریکا: دیدار ترامپ با رئیس جمهوری چین، به تصمیم پکن برای انجام اقداماتی علیه کره شمالی منجر شده است
✱ ترامپ: چین اقدام نکند، به تنهایی با کره شمالی روبه‌رو می‌شویم

صفحه ۱۶



آغاز عملیات اجرایی ۴۳ پروژه در مازندران با حضور رئیس جمهوری

✱ تولید ملی و اشتغال باید به گفتمان سال تبدیل شود
✱ پروژه‌های دولت تدبیر و امید به اندازه‌ای زیاد است که برای افتتاح آنها، فرصت نمی‌شود
✱ دکتر روحانی در نشست خبری: نخستین دغدغه دولت، تأمین زندگی افراد کم‌درآمد است
✱ در دولت یازدهم حقوق همه افراد کم‌درآمد حداقل به ۲ برابر افزایش یافته است
✱ یارانه نقدی اقشار کم‌درآمد طبق برنامه دولت اضافه خواهد شد
✱ نباید آینده را سیاه و تاریک کنیم. بعضی‌ها مانند ماشین دودی هستند و فقط دود پخش می‌کنند
✱ این نخستین دولتی است که بدهی خود را به بانک‌ها پرداخت می‌کند

صفحه ۲

تجلیل مراجع عظام تقلید از شخصیت آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی

آیت‌الله‌العلوی مکارم شیرازی: اگرچه تقدیر مردم و مسئولان از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جای شکر دارد، اما حق ایشان به‌طور کامل ادا نشده است

آیت‌الله‌العلوی صافی گلپایگانی: در روزگار ماکثر سیاستمداری این‌گونه محبوب ملت می‌شود و محبوب می‌ماند

آیت‌الله‌العلوی جوادی آملی: مرگ، آیت‌الله‌هاشمی را نبرده است بلکه او مرگ را احاطه کرده که همچنان زنده است

آیت‌الله‌العلوی شبیری زنجانی: مطمئناً آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی در درگاه خداوندی ماجور است و به‌خاطر زحماتی که برای جامعه کشیده، ماجور تر خواهد بود

آغاز ثبت نام نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری

بر اساس قانون انتخابات نامزدها تا ۲۶ فروردین مهلت ثبت نام دارند

روزهای ۶ و ۷ اردیبهشت اسامی تأیید صلاحیت‌شدگان اعلام و از ۸ اردیبهشت تبلیغات شروع می‌شود

صفحه ۲



ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای) شماره ۹۶/۸

شرکت مناقصه‌گزار: شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان

موضوع مناقصه: خرید باتری در آمپر ساعت‌های ۵۸۰۰ و ۳۵۰۰

تاریخ و محل فروش اسناد مناقصه: از تاریخ ۹۶/۱۲/۱۷ لغایت ۹۶/۱۲/۲۰ به آدرسهای ذیل مراجعه فرمایند:

۱- کرمان - بلوار شهید عباسپور - شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان - امور تدارکات و قراردادها

۲- تهران - میدان ونک - خیابان برزیل - ساختمان شهید عباسپور (توابیر) - طبقه ۴ واحد ۱۱۱ تلفن (۰۸۸۷۶۴۰۵۰)

مبلغ خرید اسناد مناقصه: ۲۰۰,۰۰۰ ریال واریز شده به حساب سپیا ۹۶۰۳۸۰۶۰۸ نزد بانک ملی ایران - شعبه برق منطقه‌ای کرمان.

مبلغ ونوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ ۳۹۶,۵۷۵,۰۰۰ ریال به صورت یک یا ترکیبی از ضمانت‌نامه‌های مندرج در ذیل:

– رسید واریز وجه به شماره حساب ۹۶۰۳۸۰۶۰۸ بانک ملی ایران - شعبه برق منطقه‌ای کرمان

– ضمانت‌نامه بانکی و یا ضمانت‌نامه‌های صادره از سوی مؤسسات اعتباری غیربانکی که دارای مجوز فعالیت از سوی بانک مرکزی هستند.

– سایر ضمانت‌نامه‌های مقرر در بندهای (ب)، (ج)، (چ)، (ح) ماده ۴ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/۵۰۶۵۹۶-۵ مورخ ۹۶/۹/۲۲.

مهلت تحویل پاکات مناقصه: حداکثر تا ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۹۶/۲/۱۱

محل تحویل پاکات مناقصه: کرمان - بلوار شهید عباسپور - اداره دبیرخانه شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان.

زمان و محل بازگشایی پاکات مناقصه: ساعت ۱۳:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۹۶/۲/۱۲

ساختمان شماره یک - طبقه دوم (اتاق کنفرانس) شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان.

– به پیشنهادهایی که فاقد سبده یا اعضاء، مشروط، مخدوش، سبده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

– سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

ضمناً این آگهی در سایت اینترنتی به آدرسهای www.krec.co.ir, <http://iets.mporg.ir>, WWW.Tavanir.org.ir در دسترس می‌باشد.

روابط عمومی شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به انجام ارزیابی کیفی جهت خرید / تأمین کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکت‌هایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی دعوت به عمل می‌آید.

۱- شماره مناقصه: FKS-9340749/ANJ

۲- موضوع مناقصه: خرید قطعات توربین

۳- آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی ۵ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم

۴- آخرین مهلت ارائه مدارک تکمیل‌شده ارزیابی کیفی ۱۴ روز از تاریخ آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی می‌باشد.

۵- توانایی ارائه ضمانت‌نامه شرکت در فرایند ارجاع کار به مبلغ ۲۹۸/۵۸۴/۹۰۰ ریال در صورت کسب حداقل امتیاز قابل قبول

۶- متقاضیان می‌توانند مدارک ارزیابی کیفی را در روز آگهی نوبت اول از سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.loco.co.IR بخش مناقصات تهیه نمایند.

۷- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با کارشناس پرونده به شماره ۰۲۱-۲۳۹۴۲۶۰ تماس حاصل نمایند.

۸- محل ارسال مدارک ارزیابی کیفی: تهران، خیابان ولیعصر (عج) بالاتر از مسجد بلال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خاکزاد، پلاک ۱۲، طبقه ۹، اتاق ۱۶.

۹- مناقصه‌گرانی که از ابتدای سال جاری (۱۳۹۶) در مناقصات مشابه (در حدود مناقصه حاضر) توسط شرکت نفت فلات قاره ایران ارزیابی و حداقل امتیاز لازم را کسب نموده‌اند، نیازی به ارائه مجدد مدارک و فرم‌های ارزیابی نداشته‌ و صرف اعلام آمادگی کتبی آنها در موعد مقرر جهت شرکت در مناقصه کفایت می‌کند.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

سماوات و خرابات

تألیف دکتر مرتضی الهی قمشهای

قطع رقعی، چاپ اول، ۲۱۶ صفحه، ۹۰۰۰ تومان

مرتضی الهی قمشهای فوق دکتر ی ژئوفیزیک دارد و سال‌ها ریاست انجمن جئوترمال کانادا را بر عهده داشته و اکنون استاد دانشگاه و مشاور بین‌المللی در زمینه اکتشافات و بهره‌برداری از انرژی زمین گرمایی است. وی در کنار این فعالیت‌ها، به سخنرانی و تألیف در زمینه عرفان و ادب فارسی نیز می‌پردازد. دکتر قمشهای در کتاب حاضر نشان می‌دهد بشر امروز که بیش از هر زمان دیگری از روح جمعی خود دور افتاده و به فرگیری روی آورده است، در این زمان بحرانی باید به سراغ منابع فرهنگی خود برود که همان

ایران، پل زمین و آسمان

دکتر سیدحسین نصر



حتی در زندگی عادی ایرانیان، شادی یا اندوه توأم است و این امتزاج در درون زندگی هم‌زمان به‌نحای گوناگون تجلی می‌کند. در تسبیح این خفیهٔ به‌خوبی نامشده، این «سوگاری» که از ارکان مرسوم سنتی شیعه است، از شادی جدا نیست و مفرّج روح است، نمی‌توان آن افسردگی و نوستالژی را که از خصائص جوامع فالد ایران است، در زندگی کسانی که به‌خصوصیات افسردگی و نوستالژی راکه از فرهنگ ایران مؤنند، مشاهده کرد. از آنجا که فرهنگ سنتی ایران در عالم معنی ریشه دوانیده و از آن ارتقا گرفته و هنوز نیز می‌کند، ایمان در متن و ذات آن قرار گرفته و حتی اندوه او راهی است به سوی کمال و شادی درونی، نه معبری تاریک به سوی نیستی و پوچی. گویی همان‌طور که خورشید درخشان این سرزمین تازلا و شفافیت خاصی به محیط آن داده و همه جا را در پرتو آنوار درخشان خود می‌پوشاند، آفتاب عالم معنی نیز آن‌چنان در فضایی فرهنگی و معنوی ایران زمین تجلی کرده است که فضایی تاریک باقی نگذارد و حتی حزن و اندوه و غم را به ششادی و شغف مبدل ساخته است، همان‌طور که در پرتو آن صوَر عالم جسمانی به رموز عالم معنی و تردبانی برای صعود از عالم محسوس به مغفول تبدیل شده است.

هنر ایرانی

خصائل اساسی فرهنگ ایران آشکارا بیش از هر جای دیگر در هنر این سرزمین انعکاس یافته است و این هنر خود طریق و وسیله‌ای است برای انتقال از عالم محسوس به سوی نیستی و پوچی. از یرون به خورشید درخشان این سرزمین تازلا و شفافیت خاصی به محیط آن داده و همه جا را در پرتو آنوار درخشان خود می‌پوشاند، آفتاب عالم معنی نیز آن‌چنان در فضایی فرهنگی و معنوی ایران زمین تجلی کرده است که فضایی تاریک باقی نگذارد و حتی حزن و اندوه و غم را به ششادی و شغف مبدل ساخته است، همان‌طور که در پرتو آن صوَر عالم جسمانی به رموز عالم معنی و تردبانی برای صعود از عالم محسوس به مغفول تبدیل شده است.

مسألهٔ «رنگ» در هنر ایران چنین است. آفتاب درخشان فلات ایران رنگها را درخشان‌تر و تندرست ساخته و حساسیت روح آدمیان را نسبت به رنگ افزایش داده است. رنگها در هنر جنبه‌ای کیمیایی دارد و آمیختن آنها خود یک هنر مشابه کیمیای است که تبدیل می‌شود و شینی را به شینی دیگر مبدل می‌سازد. هر رنگ دارای تمثیل خاصی خود است، چنان که برخی از عرفا شعر مانند حکیم نسیمنیقا به آن اشاره کرده‌اند. نیز هر رنگ دارای رابطه‌ای با یکی از احوال درونی انسان و روح اوست و استفاده از آن در جوانب مختلف زندگی، اثری بس عمیق در روحیه مردمان داشته و دارد. به‌راستی که نمی‌توان فرهنگ ایران را بدون رنگ درخشان فیروزهای آسمان و رنگ خاکی پناهای خشتی و هاگلی و آجری، که اشکال و احجام پوشانیده با کاشی یا رنگهای گوناگون چون شکوفه‌های بهاران از آن روینده است، تصور کرد. این رنگها که مانند اشکال هندسی و خطوط و طرح‌های اسلیمی، عکسی است از عالم یا لایر آیینی این جهان کوئن و فساد، نه تنها در هنرهای تجسمی، بلکه به گونه‌ای در موسیقی و شعر نیز نمایان شده و در هر مورد تجلی تکثر نور و وحدت سرمدی است که از طریق هنر خود مبدل به راهی می‌شود برای بازگشت به آن نور که واری هر گونه تعین و تکثر است.

شاعران میل

کیمیای هنر سنتی ایرانی به‌ترین نحو در شعر و شاعری منعکس است. ایرانیان یکی از شاعرترین ملل جهانند و به‌درستی در سراسر گیتی در این زمینه از شهرتی شایان برخوردارند. شاید شعر فارسی جهانیه ترین جنبه هنر این سرزمین باشد. انگهی شعر در حیات مردمان ایران محدود و به ادبیات منظوم نبوده، بلکه جزئی از زندگی بوده است و بسیاری دیگر از جوانب حیات از خصلت شاعرانه برخوردار است. شعر بیان عمیق‌ترین تجلیات روح و فکر ایرانیان و وسیلهٔ انتقال ظرف‌ترین و لطیف‌ترین جوانب میراث این سرزمین بوده است. تصور کردی وادی تمام ساحت‌های فرهنگی و اجتماعی و روانی شعر، مهمترین و اساسی‌ترین رسالت آن حکایت از عالم غیب و بیان زار درون انسان و در ظهور رسانیدن اسرار مکنون و ستم‌های شعر و شعر زورنی است. این نقطه به شعر فارسی وجود که انسان را از ساحل جهان خاکی به موعن اصلی خود بازمی گرداند. بسیاری از بزرگان این علم خود شعر می‌گفته‌اند و ابتهاج درون خود را به لسان الفاظ و ابیات منظوم بیان می‌گفته‌اند و با وجود اینکه هدف اصلی آنان بیش از عنصر شعر، متوجه حقیقت بوده است، به صورت برجسته‌ترین شعرای تاریخ بشر درآمده‌اند. یکی از معروف‌ترین آنها به وضوح به خصلت معنوی شعر اشاره فرموده است:

شعر چوید؟ نوای مرغ خرد
شعر چوید؟ مثال ملک آید
می‌شود قدر مرغ از او روشنی
که به گلشن در مثل گلشن
سر باید ز گلشن ملوکوت
می‌کشد زار حریم قوت و گلشن
به‌راستی که به‌دلت توجه به شعر فارسی، نه فقط به شعر فارسی چاشنی زندگی، بلکه به منزله یکی از عناصر اصلی قوت و جان و روح انسان، درک و شناخت و فرهنگ ایران ناممکن است و اگر ایرانیان در طول تاریخ خود از شعر اشعار و آثار حافظ و مولانا و سعدی و دیگر بزرگان ادب چیزی از خود باقی نمی‌گذاشتند، باز در تاریخ به عنوان یکی از آفرینندگان بزرگ فرهنگ به شمار می‌آمدند.

یکی دیگر از خصائص فرهنگ ایران، آمیختن تعقل و زیبایی و منطق و شعر است، چنان که منطق هم به معنی باطنی است و در معنی عرفی و عادی آن آمده است و نام منطق بر یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای ادبیات منظوم فارسی، یعنی «منطق‌الطیر» فریدالدین عطار نهاده شده است. نیز بسیاری از حکمای بزرگ این سرزمین شاعر هم بوده‌اند، به‌رحی از عمیق‌ترین تجلیات حقیقت که بر زبان آدمی جاری شده، در این سرزمین جامه‌شعر به کرده است، چنان که ایران تنها سرزمینی است که در آغوش خود شخصیتی را پرورانیده که هم شاعری بود با آوازهای جهانگیر و هم یکی از درخشان‌ترین ستارگان دنیای ریاضیات، یعنی حکیم عمر خیام. شاید هیچ شاعصری در تاریخ تمدن بشری توان یافت که به‌اندک نبیست در شعر و شاعری و علوم ریاضی دارای مقامی والا و پایگاهی باشد و باشد، و این تلفیق بین علم و شعر امکان‌پذیر نمی‌شود مگر به یاری همان پیوندی که میان عالم معنی و ریاضی از یک سو و شعر و شاعر از سوی دیگر در فرهنگ ایران وجود دارد.

شعر فارسی طرف زلال‌ترین اکسیر ناب معرفت و معرفت حاصل در شعر ایران حکمت است، چنان که این عنصر گرانمایه را در آثار و مآلات «گلشن راز» و «فتوی معنوی» و دیوان اسان‌الغیب مشهود است، این سنت شعری حامل توصیفی است از جوانب گوناگون حیات بشری و زیبایی‌های طبیعت از یک سو و حقیقت عالم قدس از سوی دیگر و نیز پلی است بین این جهان و عالم مینوی و معراجی به سوی فلک نیلگون. طبیعت خود صرفاً واقعیتی مادی نیست، بلکه آینه جهان پروردگار و تجلی رخسار یار است و تأمل در آن انسان را به‌سوی عالم غیب می‌کشاند و از زندان تن و تخته‌بند خاک رهایی می‌بخشد.

تربیان آسمان است این کلام
هر که زین بحر روی، بد به
با م ی به چرخ کو اختر بود
بل به بامی کز فلک برتر بود
فرهنگ ایران زمین را هدف، همواره ایجاد تعالی بود و در این عالم صورت و معنی یا جهان مادی و معنوی به به نحو کامل در خود انسان کامل متجلی شده است، انسانیکه به پایش بر روی فرش سرش ساییده به عرش است و تعادل تام بین عالم مادی و معنوی ایجاد کرده و در هماهنگی با طبیعت طبیعی خود به سیر می‌برد و آراش درونی او در عین تکاپوی برونی در صلح و مغفای حیات به سر می‌کشاند و از زندان تن و تخته‌بند خاک خویش، بر کوئن و مکان نیز حکمفرماست.

تعداد بین درون و بیرون و زمین و آسمان جلوه‌ای است از ارتباطی که در فرهنگ ایران بین وحدت و کثرت وجود داشته است؛ نه تنها از لحاظ عرفانی و فلسفی، کثرت تجلی وحدت و کثرت منشأ و اصل کثرت است، بلکه از نظر کار فرهنگی نیز ایران همواره بین کثرت تفاهل فرهنگی و شلار و مکتبه‌های گوناگون یکپارگی بود، و وحدتی ستایش‌انگیز پدید آورده و این وحدت و یگانگی در چشمه‌نهرهای پریش به سوی عالم کثر و جوامع و تمدن‌های متنوع در تشریح و شرح سده‌های از تا شاهر هنرهای نهال‌های بسیار سیراب گشته و ثمرات آن قوت حیات فرهنگی و معنوی جهانیان کردار داشته است. ریشه درخت کهن فرهنگ ایران آن‌چنان درخشان است که روم گسترده و تنیده است که کتب‌های حوادث تئوساته است بنیاد آن را برکت و هویت مردمان این دیار را در گرو گون سازد، بلکه این درخت کهن بین شرق و غرب روینده بود و بهر دو جانب سایه افکنده و در عین حال هر دو طرف بهره‌برداره است. در جهان گذشته و معارف دین و در علوم و فنون و نیز ادبیات و هنر آنچه در ایران بارور شده و به این سرزمین تعلق دارد، از فرهنگ‌های خاوری و باختری از چین و هند گرفته تا این‌النهرین و مصر و ایران متأخر شده و در عین حال، تأثیری عمیق بر آنها نهاده است.

در این مقاله در صفحه ۱۴

۵- در زمان در هر زمان عالمی دارند که در آن برای زندگی مطلوب و رسیدن به غایت کم و بیش معنی یا هماهنگی می‌کوشند. عالم زمان و فضای وحدت و یگانگی و دمسازی و هم‌زبانی آدمیان است. آدمیان وقتی فرد و تنها باشند و در عالمی شمرکت نداشته باشند، هر چند معنی و دانش انسانی که دارند، کارشان یا کار دیگران هماهنگ نیست و مکمل کارهای دیگر نمی‌شود. از کارمندی که استخدام می‌شود تا وچه معاشش فراهم نشود و لقمه نانی به دست آورد یا سازمانی که کارمند استخدام می‌کند تا ردف‌های استخدامش پر و پروجه‌اش مصرف شود، یا در خواست اشخاص از اجابت کرده‌باشد (و البته گاهی برای محول کردن کار و جایی که کارمند در آن مشغول شود، به تکلف دچار می‌شود)، توقع بیش از حد نباید داشت. در چنین وضعی کارمند وقت می‌گذراند؛ سازمان هم چه بسا هر روز بر حجم تر و ناتوان تر و بی‌حاصل تر شود. این درد سازمان را علم مدیریت نمی‌تواند درمان کند؛ زیرا مسئله این نیست که آیا نظم و قاعده مدیریت، درست اجرا می‌شود یا نمی‌شود و شاید اصلا نظم و قاعده علمی را نتوان اجرا کرد. اکنون مگر می‌شود نصف کارمندان دولت را از کار بیکار کرد و دکان یک سازمان صنعتی را به کالای بد تولید می‌کند و زیان می‌دهد، بست؟ در چنین سازمانی را که پنبندند، یکی از آثارش این است که حداقل ناان دهها هزار نفر آجری می‌شود. عذر کارمندان را هم که نمی‌توان خواست و یا رواست که برای دانشگاه‌هایی که در رشته‌های معتبر علمی فارغ‌التحصیل‌های خوب تربیت می‌کنند، به این عنوان که تعدادی از آنها به خارج می‌روند و در آنجا می‌مانند و غنیمی برای کشورهای توسعه‌یافته‌اند، محدودیت ایجاد کرد؟ اکنون در سازمان‌های اداری دولتی ما شاید در حدود نیمی از کارمندان زائد باشند. نیمی از این نیم هم برای کاری که استفاده می‌شده‌اند، صلاحیت کافی ندارند آن تعداد بقیه هم اگر توانایی کار و ادای وظیفه را دارند داشته باشند، شرایط کار چنان‌که باید، برایشان فراهم و مهیا نیست؛ سازمان برنامه تا چندی پیش بر اثر آدمهای تحصیل‌کرده و فهم و کارشناس در کار اقتصاد و تکنولوژی و حرفه و آموزش بود ولی تاکنون حتی ما یک برنامه توسعهٔ هماهنگ که در آن آثار و عوارض اجرای طرح‌ها و تصمیم‌ها محاسبه شده باشد، نداشته‌ایم. ما یک بدیلم کشورمان در حال خشک شدن است و خشک شدن را پیش‌بینی نمی‌کردیم؛ بسد می‌ساختیم و حساب نمی‌کردیم که چگونه شرایط آب و هوای کشور را در جهت نمادی معنوی است، بر عکس در شرایط خاص، عالم مغفول خود را حتی ملموس و مسعود می‌سازد. این امر مخصوصا در هنر اسلامی نمایان است، آنجا که شکلها و طرح‌های هندسی مواد عالم خاکی را نور متبلور شدهٔ مبدل می‌سازد و حجاب را از چهره عالم محسوس برمی‌اندازد تا پرتو آسمان حقیقت بر آن بتابد و غبار غیبت را از آن بزداید.

مسألهٔ «رنگ» در هنر ایران چنین است. آفتاب درخشان فلات ایران رنگها را درخشان‌تر و تندرست ساخته و حساسیت روح آدمیان را نسبت به رنگ افزایش داده است. رنگها در هنر جنبه‌ای کیمیایی دارد و آمیختن آنها خود یک هنر مشابه کیمیای است که تبدیل می‌شود و شینی را به شینی دیگر مبدل می‌سازد. هر رنگ دارای تمثیل خاصی خود است، چنان که برخی از عرفا شعر مانند حکیم نسیمنیقا به آن اشاره کرده‌اند. نیز هر رنگ دارای رابطه‌ای با یکی از احوال درونی انسان و روح اوست و استفاده از آن در جوانب مختلف زندگی، اثری بس عمیق در روحیه مردمان داشته و دارد. به‌راستی که نمی‌توان فرهنگ ایران را بدون رنگ درخشان فیروزهای آسمان و رنگ خاکی پناهای خشتی و هاگلی و آجری، که اشکال و احجام پوشانیده با کاشی یا رنگهای گوناگون چون شکوفه‌های بهاران از آن روینده است، تصور کرد. این رنگها که مانند اشکال هندسی و خطوط و طرح‌های اسلیمی، عکسی است از عالم یا لایر آیینی این جهان کوئن و فساد، نه تنها در هنرهای تجسمی، بلکه به گونه‌ای در موسیقی و شعر نیز نمایان شده و در هر مورد تجلی تکثر نور و وحدت سرمدی است که از طریق هنر خود مبدل به راهی می‌شود برای بازگشت به آن نور که واری هر گونه تعین و تکثر است.

شاعران میل
کیمیای هنر سنتی ایرانی به‌ترین نحو در شعر و شاعری منعکس است. ایرانیان یکی از شاعرترین ملل جهانند و به‌درستی در سراسر گیتی در این زمینه از شهرتی شایان برخوردارند. شاید شعر فارسی جهانیه ترین جنبه هنر این سرزمین باشد. انگهی شعر در حیات مردمان ایران محدود و به ادبیات منظوم نبوده، بلکه جزئی از زندگی بوده است و بسیاری دیگر از جوانب حیات از خصلت شاعرانه برخوردار است. شعر بیان عمیق‌ترین تجلیات روح و فکر ایرانیان و وسیلهٔ انتقال ظرف‌ترین و لطیف‌ترین جوانب میراث این سرزمین بوده است. تصور کردی وادی تمام ساحت‌های فرهنگی و اجتماعی و روانی شعر، مهمترین و اساسی‌ترین رسالت آن حکایت از عالم غیب و بیان زار درون انسان و در ظهور رسانیدن اسرار مکنون و ستم‌های شعر و شعر زورنی است. این نقطه به شعر فارسی وجود که انسان را از ساحل جهان خاکی به موعن اصلی خود بازمی گرداند. بسیاری از بزرگان این علم خود شعر می‌گفته‌اند و ابتهاج درون خود را به لسان الفاظ و ابیات منظوم بیان می‌گفته‌اند و با وجود اینکه هدف اصلی آنان بیش از عنصر شعر، متوجه حقیقت بوده است، به صورت برجسته‌ترین شعرای تاریخ بشر درآمده‌اند. یکی از معروف‌ترین آنها به وضوح به خصلت معنوی شعر اشاره فرموده است:

شعر چوید؟ نوای مرغ خرد
شعر چوید؟ مثال ملک آید
می‌شود قدر مرغ از او روشنی
که به گلشن در مثل گلشن
سر باید ز گلشن ملوکوت
می‌کشد زار حریم قوت و گلشن
به‌راستی که به‌دلت توجه به شعر فارسی، نه فقط به شعر فارسی چاشنی زندگی، بلکه به منزله یکی از عناصر اصلی قوت و جان و روح انسان، درک و شناخت و فرهنگ ایران ناممکن است و اگر ایرانیان در طول تاریخ خود از شعر اشعار و آثار حافظ و مولانا و سعدی و دیگر بزرگان ادب چیزی از خود باقی نمی‌گذاشتند، باز در تاریخ به عنوان یکی از آفرینندگان بزرگ فرهنگ به شمار می‌آمدند.

یکی دیگر از خصائص فرهنگ ایران، آمیختن تعقل و زیبایی و منطق و شعر است، چنان که منطق هم به معنی باطنی است و در معنی عرفی و عادی آن آمده است و نام منطق بر یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای ادبیات منظوم فارسی، یعنی «منطق‌الطیر» فریدالدین عطار نهاده شده است. نیز بسیاری از حکمای بزرگ این سرزمین شاعر هم بوده‌اند، به‌رحی از عمیق‌ترین تجلیات حقیقت که بر زبان آدمی جاری شده، در این سرزمین جامه‌شعر به کرده است، چنان که ایران تنها سرزمینی است که در آغوش خود شخصیتی را پرورانیده که هم شاعری بود با آوازهای جهانگیر و هم یکی از درخشان‌ترین ستارگان دنیای ریاضیات، یعنی حکیم عمر خیام. شاید هیچ شاعصری در تاریخ تمدن بشری توان یافت که به‌اندک نبیست در شعر و شاعری و علوم ریاضی دارای مقامی والا و پایگاهی باشد و باشد، و این تلفیق بین علم و شعر امکان‌پذیر نمی‌شود مگر به یاری همان پیوندی که میان عالم معنی و ریاضی از یک سو و شعر و شاعر از سوی دیگر در فرهنگ ایران وجود دارد.

شعر فارسی طرف زلال‌ترین اکسیر ناب معرفت و معرفت حاصل در شعر ایران حکمت است، چنان که این عنصر گرانمایه را در آثار و مآلات «گلشن راز» و «فتوی معنوی» و دیوان اسان‌الغیب مشهود است، این سنت شعری حامل توصیفی است از جوانب گوناگون حیات بشری و زیبایی‌های طبیعت از یک سو و حقیقت عالم قدس از سوی دیگر و نیز پلی است بین این جهان و عالم مینوی و معراجی به سوی فلک نیلگون. طبیعت خود صرفاً واقعیتی مادی نیست، بلکه آینه جهان پروردگار و تجلی رخسار یار است و تأمل در آن انسان را به‌سوی عالم غیب می‌کشاند و از زندان تن و تخته‌بند خاک رهایی می‌بخشد.

تربیان آسمان است این کلام
هر که زین بحر روی، بد به
با م ی به چرخ کو اختر بود
بل به بامی کز فلک برتر بود
فرهنگ ایران زمین را هدف، همواره ایجاد تعالی بود و در این عالم صورت و معنی یا جهان مادی و معنوی به به نحو کامل در خود انسان کامل متجلی شده است، انسانیکه به پایش بر روی فرش سرش ساییده به عرش است و تعادل تام بین عالم مادی و معنوی ایجاد کرده و در هماهنگی با طبیعت طبیعی خود به سیر می‌برد و آراش درونی او در عین تکاپوی برونی در صلح و مغفای حیات به سر می‌کشاند و از زندان تن و تخته‌بند خاک خویش، بر کوئن و مکان نیز حکمفرماست.

تعداد بین درون و بیرون و زمین و آسمان جلوه‌ای است از ارتباطی که در فرهنگ ایران بین وحدت و کثرت وجود داشته است؛ نه تنها از لحاظ عرفانی و فلسفی، کثرت تجلی وحدت و کثرت منشأ و اصل کثرت است، بلکه از نظر کار فرهنگی نیز ایران همواره بین کثرت تفاهل فرهنگی و شلار و مکتبه‌های گوناگون یکپارگی بود، و وحدتی ستایش‌انگیز پدید آورده و این وحدت و یگانگی در چشمه‌نهرهای پریش به سوی عالم کثر و جوامع و تمدن‌های متنوع در تشریح و شرح سده‌های از تا شاهر هنرهای نهال‌های بسیار سیراب گشته و ثمرات آن قوت حیات فرهنگی و معنوی جهانیان کردار داشته است. ریشه درخت کهن فرهنگ ایران آن‌چنان درخشان است که روم گسترده و تنیده است که کتب‌های حوادث تئوساته است بنیاد آن را برکت و هویت مردمان این دیار را در گرو گون سازد، بلکه این درخت کهن بین شرق و غرب روینده بود و بهر دو جانب سایه افکنده و در عین حال هر دو طرف بهره‌برداره است. در جهان گذشته و معارف دین و در علوم و فنون و نیز ادبیات و هنر آنچه در ایران بارور شده و به این سرزمین تعلق دارد، از فرهنگ‌های خاوری و باختری از چین و هند گرفته تا این‌النهرین و مصر و ایران متأخر شده و در عین حال، تأثیری عمیق بر آنها نهاده است.

۵- در گذشته این گونه مرسوم بوده است که در حاکمیت و معرفت از نوشته‌های دیگران در خلق آثار خود استفاده کنند، اما به‌ندرت مشخص می‌کردند مطالبی را که در اثر خود آورده‌اند، از کیست. این شیوه شاید در آن اقصاء، سرت قند ادبی محسوب نمی‌شد، اما حکمای قرن بیستم در بحث تدریس و تبیین مفاهیم نوشته‌های مذکور، تلاش کرده‌اند تا دیگران را به یاد صاحبان آثار خود برانند و بین نوآوری‌ها و تکرارهای درازپرواز دانشوران مزبور با نظرات دیگر اندیشمندان تفاوت قائل شوند.

۱- اینکه برخی، معمولات متکاتب دیگران را به‌نام خود مصادره کرده‌اند، مثال است؛ یعنی اینکه سخن و فکر دیگری را بر خود بسته‌اند و که این حرکت مادم معنوی تدلیس است و در واقع سنتی آشکار بر نوسنده اصلی است. ۲- برخی کارگزاران که در دستگاه حکام و

تهادید که مردم را نمی‌توان به مصرف فرخواند (این عیب مردم نیست، بلکه خو نگرفتن با رسم و راده و آداب زندگی در زمان حکومت تکنیک است).

مشکلاتی که بر اثر توسعهٔ ناهماهنگی و شکسته بسته پدید آمده است، جز با سامان‌یافتن توسعه و رفد نمی‌شود. مدیریت هم شانی از توسعه است، چنان‌که اگر سامان داشته باشد، سامانش حاکی از سامان توسعه است و اگر نداشته باشد، از خلیلی در کار توسعه وجود داشته باشد، به شتون دیگر توسعه کم نظر می‌کنیم، وقتی ناهماهنگی می‌بینیم، نباید متوقع باشیم که در بحیثه ناهماهنگی‌ها، سازمان اداری نظم و سامان درست داشته باشد. اگر می‌گویند «مدیریت باید به امور سامان باشد و بی‌سر و سامانی را علاج کند»، راست می‌گویند و مگر به تکرار نگفتیم که «مدیریت، عقل توسعه است»؟ مدیریت به برنامه‌های تکتور ورودی دانشگاه‌ها این را نشان داده است، آ یا با تأسیف نباید گفت که زحمت و کوشش معدر رفته و کار مؤثرش بیش از نیم ساعت در روز نبوده است؟

چپه می‌توان و باید کرد که آموزش و پرورش برحاصل تر

اصلاح نظام اداری و آموزشی



وقتی برنامه توسعه وجود داشته باشد، مقررات هم در تناظر با برنامه و هماهنگی با آنها تدوین و اصاح می‌شوند.

چه باید کرد؟
۱-کنون ما چه می‌توانیم بکنیم؟ آیا اصلاح سازمان‌های اداری و آموزشی چندان دشوار است که باید از آن چشم پوشیده،اگر پرسشی به این معناست که آیا مجلس، دولت و حکومت می‌توانند به‌صرف تصویب قانون و صدور تصویب‌نامه و ابتیاح تصمیم، سازمان اداری لخت و راکد و کم‌کار و سهیل‌انگار سخنگیر را در کو نامدست سبکبال و کارزار و مال‌الدش و گر شه کنند، پیداست که نمی‌تواند. اگر قضا به افراد و به اخلاق مردمان و روان‌شناسی آنها مربوط بود، می‌شد با آموزش و موظفه و اعمال مدیریت صحیح و سالم مشکل را حل کرد؛ اما وقتی گفته می‌شود که بازده هشت ساعت کار سازمان‌های اداری، ما ۲۰ یا ۳۰ دقیقه کار مفید است (و این سخن کم و بیش درست، ممکن است)؛ مفید است؛ کار اداری در کشور دیگر است؟ (این کندی اختصاصی به کارهای دیگر است. آیا درسی که کودکان و نوجوانان یاد نمی‌گیرند و به یاد نمی‌سپارند نامناسب و بی‌جاست؟ این تغییر قدری نامناسب و خشن است؛ زیرا کار تعلیم را چگونه می‌توان نامناسب دانست؟

مدیریت در آموزش
داشش را هر چه بیشتر بیاموزیم، غنیمت است؛ اما آموزش برای زندگی اندازه و شرایط خاص دارد و آن را باید مدیریت کرد و مدیریتش را همه مدیریت‌های دیگر بیرون زدیکسر با علم و تحقیق دارد. مدیریت در آموزش با تدوین دوره‌های تحصیلی و برنامه‌ریزی درسی و تعیین دروس و تألیف کتب درسی و کمک درسی ارتباط دارد و این امور نمی‌تواند از تلقی نسبت به علم و آموزش مستقل باشد. در

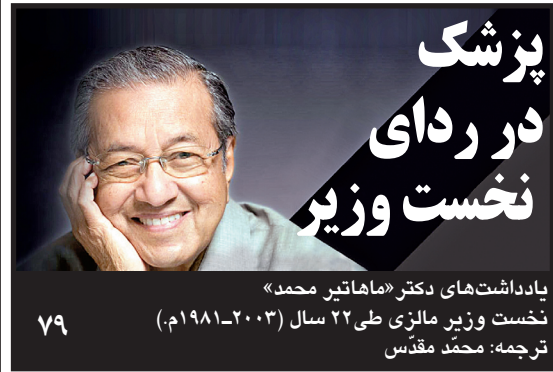
فرمان‌روایان، صاحب منصب و مقامی بوده‌اند، به اعتبار نفوذ سیاسی و اقتداری که به‌دست آورده و نیز برخورداری برخی توانایی‌های علمی، نوسندگان گمنامی را فرافرا خوانده‌اند تا به آنان در تألیف اثری یا تاریخی یا ادبی کمک کنند؛ اما این نوشتار را به نام خود معرفی کرده‌اند و حق آن مؤلفان اهل همت و زحمت و فاضل را نادیده گرفته‌اند که در این زمینه نمونه‌های مستند ارائه کرده‌اند است.

۸- در گذشته این گونه مرسوم بوده است که در حاکمیت و معرفت از نوشته‌های دیگران در خلق آثار خود استفاده کنند، اما به‌ندرت مشخص می‌کردند مطالبی را که در اثر خود آورده‌اند، از کیست. این شیوه شاید در آن اقصاء، سرت قند ادبی محسوب نمی‌شد، اما حکمای قرن بیستم در بحث تدریس و تبیین مفاهیم نوشته‌های مذکور، تلاش کرده‌اند تا دیگران را به یاد صاحبان آثار خود برانند و بین نوآوری‌ها و تکرارهای درازپرواز دانشوران مزبور با نظرات دیگر اندیشمندان تفاوت قائل شوند.

۱۱- برخی نوشتارن نوپا (و متأسفانه عده‌ای از ناشران حرفه‌ای با تاجریه) از این آشفته بازار، برای رونق کسب و کار خود به‌هر می‌برند و گاهی بر جلد کتابی که مؤلف دیگری است، نام دوستان، رفزان و افراد خارج از دایره تخصصی می‌کنند و موافقی به عرفان شنیده وادی و برایش تم و یا بازگویی در نثر، اصالت کتابی ارزشمند را مخدوش می‌سازند.

۱۲- اینکه برخی، معمولات متکاتب دیگران را به‌نام خود مصادره کرده‌اند، مثال است؛ یعنی اینکه سخن و فکر دیگری را بر خود بسته‌اند و که این حرکت مادم معنوی تدلیس است و در واقع سنتی آشکار بر نوسنده اصلی است. ۱۳- برخی کارگزاران که در دستگاه حکام و

۱۴-تعالیمی نیشابوری، ابومنصور، بنیمه الدهرفی محاسن اهل العصر، تحقیق حمید الدین عبدالمجید، بیروت، دارالفکر، ۱۳۶۲ هجری قمری. ۱۵-جاسمی، محمد، تاریخ علم و فرهنگ، بیروت، انتشارات حاکمی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱. ۱۶-جعفریان، حبیب، این کیمیاگر قلابی است، نسل ۱۳۰۰، زمستان ۱۳۷۱. ۱۷-عسکری، یعقوب، بیانات در دفتر مجله مکتب اسلام، ۲۹ مهر ۱۳۶۹. ۱۸-جاسمی، محمدرضا، صوره خیال در شعر، ۱۳۶۷. ۱۹-شعاعی اردستانی، مرتضی، ناگفته‌ها و ناگفته‌های اردستان، جزوه ستودنی سر فزینگی، شهریز ۱۳۹۱. ۲۰-شعاعی کدکی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، ۱۳۷۵. ۲۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۲۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۲۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۲۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۲۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۲۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۲۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۲۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۲۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۳۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۳۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۳۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۳۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۳۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۳۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۳۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۳۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۳۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۳۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۴۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۴۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۴۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۴۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۴۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۴۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۴۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۴۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۴۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۴۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۵۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۵۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۵۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۵۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۵۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۵۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۵۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۵۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۵۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۵۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۶۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۶۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۶۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۶۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۶۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۶۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۶۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۶۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۶۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۶۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۷۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۷۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۷۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۷۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۷۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۷۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۷۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۷۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۷۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۷۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۸۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۸۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۸۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۸۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۸۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۸۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۸۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۸۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۸۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۸۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۹۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۹۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۹۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۹۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۹۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۹۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۹۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۹۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۹۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۹۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۰۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۰۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۰۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۰۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۰۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۰۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۰۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۰۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۰۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۰۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۱۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۱۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۱۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۱۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۱۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۱۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۱۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۱۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۱۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۱۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۲۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۲۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۲۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۲۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۲۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۲۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۲۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۲۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۲۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۲۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۳۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۳۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۳۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۳۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۳۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۳۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۳۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۳۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۳۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۳۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۴۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۴۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۴۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۴۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۴۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۴۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۴۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۴۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۴۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۴۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۵۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۵۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۵۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۵۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۵۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۵۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۵۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۵۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۵۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۵۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۶۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۶۱-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۶۲-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۶۳-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۶۴-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۶۵-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۶۶-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۶۷-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۶۸-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۶۹-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۷۰-شعاعی، سعید، ۱۳۷۵. ۱۷۱-شعاعی، سع



یادداشت‌های دکتر «ماهاتیر محمد» نخست وزیر مالزی طی ۲۲ سال (۲۰۰۳–۱۹۸۱م.) ترجمه: محمّد مقدّس

آنها دیگر از دور ماندن از سیاست، خشنود نبودند و به همان اندازه که این موضع در گذشته خیانت تلقی می‌شد، احساس می‌کردند که حکمرانان آنان قصد مقاومت در برابر فشارهای بریتانیا را ندارند. به تدریج ایده اولیه وحدت مالایا در ایالت‌های مختلف آن گسترش پیدا کرد ولی آنها به قدرت خود برای خشی ساختن نقشه‌های بریتانیا اعتماد نداشتند. در این میان صداهای جدی در راستای درخواست از مالایای‌ها برای اینکه خود را مردم سرزمین مالایا و نه رعایای حکام ایالت‌های مختلف قلمداد کنند، بالا گرفت. روزنامه‌ها به وحدت مالایا فراخواندند و تأسیس کشور بیگانه‌ای را پیشنهاد کردند که همه مالایایی‌ها را نمایندگی کند. آنها نسبت به شهروندان "اندونزی" احساس رشک کردند زیرا در میان آنها رهبر کاریزماتیکي چون "سوکارنو" وجود داشت و حتی برخی شهروندان به برقراری اتحاد میان دو کشور الدیشیدند ولی اکثریت بر این باور بود که همینکه در تشکیل جیمعی از تمامی مالایایی‌ها در همه ایالت‌ها موافق شوند، رهبری یافت خواهد شد. بریتانیایی‌ها میزان فزاینده فعالیت‌های سیاسی مالایا و مخالفت با "اتحاد مالایا" را متوجه شده بودند ولی خم به ابرو نیاوردند و به این اعتقاد پایبند ماندند که اگر سلاطین به نقشه‌های آنها اذعان کنند، نقشه آنها مبنی بر وحدت بنخشدین به ایالت‌های مالایایی و حکومت کردن بر آن به عنوان "اتحاد مالایا" موفق خواهد شد. در همین راستا "مک مایکل" در اکتبر ۱۹۴۵م. وارد مالایا" شد. او به توصیه "ویلان"، ابتدا به دیدار سلطان "جوهور" رفت. من با اینکه هنوز دانشجوی دانشکده "سلطان عبدالحمید" بودم، از نزدیک پیشرفت‌هایی را که "مک مایکل" کسب می‌کرد، دنبال می‌کردم. می‌خواستم بدانم برای ابراز خشم مالایایی‌ها از آنچه اتفاق می‌افتد، چه کاری می‌تواند انجام دهد. ملاقات در کاخ "باسیر بیلاگی" صورت گرفت. "مک مایکل" توضیح داد که دولت اعلیحضرت پادشاهی [انگلستان] چیزی جز رفاه کشور [شما] را نمی‌خواهد و کار آن منحصر به مأموریتی هماهنگ با این اندام یعنی تأمین همکاری حکام است و برای اینکه دولت اعلیحضرت بتواند این سیاست را به شکل مناسب و مؤثری به اجرا بگذارد نیازمند اختیاراتی است که در آن زمان از آن برخوردار نبود و معاهده‌ای که قرار است با سلطان به امضا برسد این اختیارات را به آن [انگلستان] می‌دهد. "مک مایکل" گفت که حامل یک یادداشت توضیحی در مورد جزئیات بیشتر است و اختصاصاً برای این تهیه شده که اطلاعات شخصی و محرمانه‌ای را در اختیار سلطان قرار دهد. او در مورد دیدارشان با سلطان در یادداشت‌های خود می‌نویسد: «این اسناد با عجله و شایستگی قابل توجهی در کنار متن معاهده آماده امضا، تألیف شده‌اند».

سلطان اصرار ورزید برای تضمین حسن مدیریت، ریاست هر اداری را در یک مسئول بریتانیایی بر عهده گیرد و گفت که او اعتماد خود را به مالایایی‌ها از دست داده است. سلطان همچنین از نگرانی‌های خود در مورد مسائلی چون سرشودت تمبریاهی پستی و نشان‌های خاصش یعنی کلاه آن اتحاد هم بهره برداشت. احتمالاً این داشته که شامل نشان "جوهور" نباشند. او گفت برای مطالعه گزارش‌ها و تهیه یادداشت، نیاز به زمان دارد. لذا توافق کردیم که دو روز بعد نشست دیگری داشته باشیم. در ۲۰ سپتامبر، "آچ تی پوردریلان" معاون وزیر مستعمرات، اسناد را برای امضا آماده کرد. "مک مایکل" و سلطان، بی‌هیچ مناقشه یا تشریفاتی ظاهری، آنها را امضا کردند.

«مک مایکل» که در فلسفاتی خدمت می‌کرد با گفتن "الحمدلله" (به زبان عربی) این روند را به پایان رساند. سلطان نیز همین کار را کرد.

پی‌نوئیس:

۶۹– این یادداشت‌ها در دربار "باسیر بیلاگی" نگهداری می‌شود. «آچ تی پو دیلان» در مالایا و سپس در وزارت مستعمرات در لندن، خلعت کرد.

تنش‌های اخیر در روابط ترکیه با هلند و آلمان را می‌توان یکی از حلقه‌های زنجیره‌ای از اختلافات میان ترکیه و اتحادیه اروپا دانستست که با شکست اولیه حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی سال گذشته و در پی آن شروع درگیری‌ها در مناطق جنوب و جنوب شرقی این کشور آغاز شد و در ادامه با وقوع کودتای نافرجام علیه دولت آنکارا و دستگیری ده‌ها هزار نفری پس از آن تشدید شد. امیرحسین ربیعی معمار در ایرنا نوشت: ریشه اصلی چنین اختلاف نظری را شاید بتوان در این نکته اساسی دید که اردوغان و حزب عدالت و توسعه نگرانی‌های ابرازی را به‌هم‌بردارانه به اتحادیه اروپا و منجرآنها و ارزش‌های آن دانستند. بدین معنا که هرگاه بهره‌گیری از معیارهای انسانی و حقوق بشری‌مانند مانند موازین کپنهاگ یا امتیازات اقتصادی ناشی از همکاری با اروپا به تحکیم قدرت «اک پارتی» و تضعیف مخالفتاش بیانجامد مورد پسند مقامات آنکارا خواهد بود و اگر همان معیارها به زیان منافعتشان باشد از آن با واژگانی مانند فاشیسم و نژادپرستی اروپایی‌ها یاد می‌کنند. می‌توان به چند عامل مهم طی نزدیک به دو سال اخیر اشاره کرد که تشدید کننده پدیداری تنش در روابط ترکیه و اتحادیه اروپا به شمار می‌رود.

درگیری در جنوب و جنوب شرق ترکیه :

با تحولاتی که بعد از انتخابات پارلمانی ترکیه روی داد، درگیری نیروهای امنیتی این کشور با شبه نظامیان پ.ک.ک دوباره آغاز شد. در این میان هجوم همه جانبه ارتش و پلیس ترکیه به مناطق کردنشین این کشور و جنگ سنگینی که بین نیروهای دولتی و عناصر پ.ک.ک به وقوع پیوست منجر به اعتراض اتحادیه اروپا پیرامون مسائل حقوق بشری شد. واکنش مقامات آنکارا منبهم کردن رهبران اروپایی به پشتیبانی از تروریسم و آسیب زدن به منافع و امنیت ملی ترکیه بود.

وقوع کودتای نافرجام و پیامدهایش :

شکل‌گیری کودتا علیه اردوغان در تابستان گذشته نقطه عطف مهمی در روابط ترکیه و کشورهای اروپایی محسوب می‌شود. دستگیری‌های گسترده پس از شکست کودتا نشان می‌داد فهرستی بلند بالا از اعضای نیروهای ارتش و پلیس و همچنین استادان دانشگاه و قضات دادگستری تهیه شده و به محض شکست اقدام نظامیان در راستای بازداشت افراد اقدام شد.است.انگشت اتهام اردوغان به سمت جنبش‌نور به رهبری فتح الله گولن نشانه رفت و ترکیه بی پرده غرب را به هواداری از وی و هوادارانش و همچنین دست داشتن در کودتا محکوم کرد. همچنین رفتار ناشایست و خشن نیروهای امنیتی ترکیه در قبال عوامل کودتا هم مزید بر علت شد. روابط این کشور را با اروپا به سمت تیرگی پیش برد.

رفتار تنش آفرین آنکارا در قبال بحران سوریه:

روشن شدن چهره اصلی تروریست‌های حاضر در خاک سوریه، حضور شمار زیادی از شهروندان اروپا در میان آنان و در نهایت وقوع حوادث تروریستی در کشورهای نظیر فرانسه، بلژیک و آلمان زنگ خطر را برای اروپایی‌ها به صدا درآورد. در ایسن میان ترکیه نقش اصلی را در تسهیل رفت و آمد تروریست‌ها و کمک‌های مادی و معنوی به آنها داشته است. چیزی که در پنج سال گذشته به چنگبندی و بغرنج شدن هر چه بیشتر جنگ داخلی سوریه انجامیده است، در این نکته ای نه نیست که از چشم رهبران اروپایی پنهان باشد. جریند سیاست ترکیه در سوریه جدا از خط کلی و اهداف غرب بوده و در بسیاری جهات یبائنگر منافع و خواست‌های جهان غرب در قبال خاورمیانه است. اما سیاست خارجی تسنجیده ترکیه به تنها کمکی به حل بحران‌های خاورمیانه نکرده بلکه به بدتر شدن وضعیت هم پاری رسانده است.

شخصیت اقتدارگرای اردوغان و نگرانی از آینده ترکیه:

ریورگرد اقتدارگرایانه اردوغان به قدرت و سیاست در ترکیه مدت‌هاست که عیان شده و جز هواداران سرسخت حزب عدالت و توسعه کمتر کسی است که در این موضوع تشکیک کند. هرچه این کشور از دموکراسی نوپای اسلامی اخیر که از قضا مجری آن هم اردوغان و پارتاش بودند، فاصله بگیرد امکان تنش و درگیری و پدیداری بحران‌های گوناگون در ترکیه بیشتر خواهد شد و این به هیچ روی خوشایند کشورهای اروپایی نخواهد بود.ترکیه محل تلاقی منافع منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با مرزهای اروپاست و بحران نامحتمل‌ان در چند سال اخیر بار دیگر وضعیت حساس و سرنوشت ساز ترکیه

روابط بین‌الملل

خارجی ترکیه ندارد و طی یک سال اخیر بارها و با اقدامات و سخنان گوناگون این ناخرسندی را نشان داده. بنابراین با وجود تلاش‌های ظاهری در طرف بر کاهش تنش و روابط اقتصادی بگذارد. اقداماتی نظیر رای غیرالزام آور پارلمان اروپا برپای تعلیق گفتگوهای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در همین راستا قابل ارزیابی است. ناگفته نماند که رفتار باج گریانه دولت ترکیه بر سر مساله ی پناهندگان، اروپاییان را به شدت آزرده کرد.

نفوذ گسترده جنبش گولن در اروپا

تشکیلات جنبش نور به رهبری روحانی معروف، فتح الله گولن، یکی از بزرگترین موسسات فرهنگی و آموزشی جهان به شمار می‌آید و با دارا بودن ده‌ها مرکز فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و خویره، نفوذ گسترده‌ای در سطرط دولتی‌های کشورهای مختلف و به ویژه اروپای غربی و آمریکای شمالی

روزنامه‌های «الحیات» چاپ لندن، «الدستور» و «الرای» اردن، «ایوم السایع» و «الاهرام» مصر با اشاره به افزایش تنش میان ترکیه و کشورهای اروپایی، این موضوع را تاکتیک دولتمردان ترکیه برای گذر از نظام پارلمانی به نظام ریاستی به‌شمار آوردند.
به نوشته روزنامه الحیات، روابط ترکیه و کشورهای اروپایی پس از برخی رویدهاها و عکس‌العمل‌ها در روزهای گذشته تیره شد. پس از مخالفت کشورهای اروپایی با برپایی برخی نشست‌های تبلیغاتی که به‌دست‌مقامهای ترکیه در محافل ترک تبارها در کشورهای اروپایی اداره می‌شود، این روابط تیره شد. مقام‌های کشور ترکیه برای‌این کمپین‌ها می‌خواهند اقلیت‌های ترک تبار را تشویق کنند به اصلاحیه قانون اساسی ترکیه رای مثبت دهند. مقام‌های اروپایی از حجم بالای شاکف سیاسی، امنیت و کدورت‌های داخل ترکیه اطلاع دارند. از این رو آنان

ترکیه و اروپا؛ هزار راه نرفته



اروپایی همه برنامه‌های تبلیغاتی دولت ترکیه برای همه پرسى ماه آینده را به چالش می‌کشند. پس از دولت آلمان که کمپین آری به همه پرسى تغییر قانون اساسی ترکیه را در شهرهای آلمان کرد، دولت هلند نیز اجازه برگزاری چنین کمپینی را به مقام‌های این جنبش که در کشورهای مختلف دارای حامل «مولود چاوش اولوغ»، وزیر امور خارجه ترکیه به فرودگاه روتردام شد. او قرار بود در این سفر درباره همه‌پرسی تغییرات قانون اساسی در کردهایی ترک تبارهای هلند سخنرانی کند. اما مقام‌های هلند اعلام کردند که برای این برنامه مجوز صادر نکرده‌اند. همچنین مقام‌های هلند از ورود فاطمه سایان کایا؛ وزیر خاتونه ترکیه به کنسولگری این کشور در روتردام جلوگیری کردند و او را به مرز آلمان برگرداندند. «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهوری ترکیه در واکنش به اقدام مقامات هلند این افراد را بازماندگان نازیسم و فاشیسم به شمار آورد. پیش از این نیز اردوغان دولت آلمان را به تروریسم‌پروری منهم کرده بود. تنش میان آنکارا و اروپا در حالی بالاگرفته که قرار است همه پرسى اصلاح ۱۸ ماده قانون اساسی ترکیه برای گذر از نظام پارلمانی به نظام ریاستی بیست و هفتم فردین ماه برگزار شود.رسانه‌های عربی طی روزهای گذشته به تحلیل دلایل و پیامدهای اختلاف میان آنکارا و کشورهای اروپایی پرداختند.

در مسیر فعالیت‌های آنکارا که جنبه تبلیغاتی دارد، سنگ اندازی می‌کنند. آنان تلاش می‌کنند که از انتقال مشکلات سیاسی و اختلاف‌های داخلی ترکیه به اروپا و محافل اقلیت‌های ترک تبار در این کشورها جلوگیری کنند. اردوغان می‌خواهد با اصلاح قانون اساسی اختیارات خود را افزایش دهد. این مساله ای است که در ترکیه همگان بر روی آن اتفاق نظر ندارد. زیرا مخالفان ترکیه نگران هستند که موفقیت اردوغان در این زمینه او را به سوی دیکتاتوری پیش می‌برد. اردوغان برای تعدیل این قانون به آرای ترک تبارهای مقیم اروپا نیازمند است. شمار این افراد حدود ۵ میلیون تن است که ۳ میلیون آنان در آلمان زندگی می‌کنند. آنان در انتخابات پارلمانی گذشته پیش از نیمی از آراء خود را به حزب «عدالت و توسعه» دادند. اکنون نیز اردوغان تلاش می‌کند از هر ابزاری برای به دست آوردن رای استفاده کند.به نوشته الدستور، کشورهای اروپایی ترسیده‌اند که برگزاری کمپین‌های تبلیغاتی شگلف‌ها و تاراجی‌ها را در محافل اقلیت‌های ترک تبار در این کشورها افزایش دهد. از این رو، برخی کشورهای اروپا با برپایی این نشست‌ها مخالفت و از حضور وزيران ترکیه در این نشست‌های تبلیغاتی جلوگیری کردند. زیرا کشورهای اروپایی تغییر قانون ترکیه را به منزله ی رفتن به سوی دیکتاتوری می‌دانند.الدستور در بخشی از

گزارش خود آورد: موضوع خنده آور آن استست که اردوغان بسا تحریم‌ها و مجازات‌های ناگوار اروپا را تهدید کرد. این اقدام اردوغان ما را به یاد اظهارات خیرسره‌ان او علیه روسیه، ایران، سوریه و عراق می‌اندازد. او یک باره تغییر موضوع داد. جنگ‌های اردوغان علیه اروپا همه پس از نتیجه همه پرسى‌های ترکیه، پایان خواهد یافت و خواهیم دید که در سیاست‌های ترکیه تغییراها و انعطاف‌های بزرگی رخ خواهد داد. بار دیگر اردوغان نشان خواهد داد که رهبری او و باقی ماندن حزب او در قدرت تنها اولویت‌های او است و هر کسی که بر خلاف خواسته‌های او عمل کند به گرفتارنده خواهد شد. به نوشته روزنامه ایوم السایع، در حالی که درباره پیامدهای همه پرسى ترکیه برای تغییر قانون اساسی تردیدهایی وجود دارد، برخی منتقدان اردوغان بر این باورند که با این جنگ ساختگی و موع فریانه این اروپا می‌خواهد ملی گرایان ترکیه را به سوی خود بکشد تا با رای دادن به قانون ریاستی اختیارات بیشتری به او بدهند. در این خصوص، «کنجیز جالدانه» روزنامه نگار ترک گفت سیاست کنونی ترکیه درباره سوریه، هلند، آلمان و دستور کارها و سیاست‌های داخلی آنکارا در ارتباط است. همه این سیاست‌ها با تبلیغات برای همه پرسى که به اردوغان اختیارات بیشتری می‌دهد، گره خورده است. به نوشته روزنامه الاهرام، ناظران گفته‌اند هدف اردوغان از دامن زدن به تنش با کشورهای اروپایی این است که با هر ابزاری مردم را خرسند سازد تا به طرح او برای تغییر قانون اساسی ترکیه رای دهند. اما این ناظران نمی‌دانند که اردوغان چگونه می‌خواهد کشورهای دارای حاکمیت را در برابر اراده خود تسلیم سازد. او غرور و قدرت و توهم رهبری را دارد. درس و عبرت‌های بسیاری در جنگ اردوغان علیه اروپا وجود دارد. روزنامه الزرای اردن در گزارشی به قلم «طارق مصاره» نوشت: مشاجره‌های اردوغان در کشورهای اروپایی گسترش پیدا خواهد کرد و همه اروپا را فراخواهد گرفت. ارزش نظام ریاستی ترکیه چیست که اردوغان می‌خواهد برای دستیابی به آن هزاران تن را به حیایان‌های اروپا روانه کند. او از استیسم و نازیسم خواندن همسایه‌های خود به چه چیزی دست می‌باید؟

روزنامه‌های الحیات و الدستور در بخشی از گزارش‌های خود به سوءاستفاده اردوغان از تعصب‌های قومی و مذهبی با هدف پیش بردن برنامه‌های خود اشاره کردند. الدستور در گزارشی به قلم «عرب الرئای» نوشت: این نخستین بار نیست که اردوغان برای دستبایی به هدف‌های سیاسی خود به رک تعصب ملی ترکیه‌ها پناه می‌برد. او فرصت طلب است. زیرا شهروندان ترکیه که در کشورهای اروپایی ساکن هستند تنها ترک تبار نیستند بلکه بخشی از آنان کرد، سکرلار و اسلام گرا هستند.الحیات در گزارشی به قلم «طارق عزیزه» باعنوان «اردوغان را نشانی می‌دهد. اردوغان مانند گذشته، اکنون هم می‌خواهد از اختلاف با کشورهای اروپایی احساس دینی و ملی همه را تحریک کند. او اقدام دولتی‌های اروپایی را افزون بر دشمنی با ترکیه دشمنی با اسلام به شمار می‌آورد و می‌گوید که این موضوعی است که با اسلام هراسی در ارتباط است و چهره واقعی غرب را نشان می‌دهد. او از بحران کنونی و رفتار با پلیس هلند سوء استفاده می‌کند تا در درباره مرسمالاری و حقوق بشر سخنرانی کند. این در حالی است که اردوغان به پنهان کودتای نافرجام در ترکیه، مرسمالاری و حقوق بشر را ستاره لگد گوب و هزاران تن را زندانی کرده و دهان همه را بسته است. او سیاست‌های فاشیسم و جنگ آشکار خود علیه کرها را هم ادامه می‌دهد.

روزنامه الدستور اردن در گزارش خود به استفاده راستگرایان تندرو از موضع گیری‌های مقام‌های ترکیه اشاره کرد و در این زمینه نوشت: راستگرایان اروپایی که در نتیجه مهاجرت‌ها و موج پناهنجیان عرب و مسلمان به کشورهای اروپایی در حال قدرت یابی هستند، اکنون گمشده خویش را در موضع گیری‌های ترکیه پیدا کرده اند. آنان بدترین اقدام‌های باج خواهی و جنجال آفرینی را آغاز کرده‌اند و گفت‌وهای نژادپرستانه خود را از سر گرفته اند. نازیسم و فاشیسم خواندن آلمان و هلند خنده آور است. به ویژه که این موضع از سوی کسی مطرح شد است کشورش را به نوتالیترسم پیش می‌برد.

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول

شرکت تعاونی سبزپروان لاله‌ا (پار نستکسان ساز پشتهن ساز (س)) به‌شماره ثبت ۲۹۸۵۰۰ و شناسه ملی ۱۰۰۰۳۳۶۰۴۰

به استناد صور تجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت مهر خاوران الوند به شماره ملی ۱۰۰۰۵۶۴۵۰۵ به نمایندگی بهنام حسین زاده طرفوظی ۰۴۶۷۱۶۴۶۷ - رئیس هیئت مدیره - شرکت پیمان آفرینان امین - ۱۰۰۰۵۶۴۵۰۱ به نمایندگی مجید شسربیعی ۰۵۳۱۱۰۱۶۶۶ - نایب رئیس هیئت مدیره - شرکت فرا آذین البرز ۰۵۳۱۱۰۰۵۶۴۵۲ به نمایندگی حسین حسینیت ۰۵۳۱۲۳۶۸۶۹۸ - عضو هیئت مدیره و مدیر عامل انتخاب شدند اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته،برات یا مضای دو نفر از اعضای هیئت مدیره هم‌راه با مهر شرکت و کلیه مکاتبات عادی با امضای مدیر عامل و در غیاب ایشان یکی از اعضای هیئت مدیره هم‌راه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۱۸۰۵)

آگهی تغییرات شرکت تولید مواد اولیه آلومینیوم سهامی خاص به‌شماره ثبت ۵۹۶۷۸۸ و شناسه ملی ۱۰۰۱۰۱۳۱۲۰۲۶

به استناد صور تجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت مهر خاوران الوند به شماره ملی ۱۰۰۰۵۶۴۵۰۵ به نمایندگی بهنام حسین زاده طرفوظی به شماره ملی ۰۴۶۷۱۶۴۶۷ به سمت رئیس هیئت مدیره شرکت پیمان آفرینان امین به شناسه ملی ۱۰۰۰۵۶۴۵۰۱ به نمایندگی مجید شسربیعی به شماره ملی ۰۵۳۱۱۰۱۶۶۶ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره شرکت فرا آذین البرز به شناسه ملی ۱۰۰۰۵۶۴۵۲۲ به نمایندگی ایرج پیچگاه به شماره ملی ۶۵۹۹۸۴۵۱۶۹۸ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیر عامل انتخاب گردیدند. اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و غیره با امضای دو نفر از اعضای هیئت مدیره هم‌راه با مهر شرکت و کلیه مکاتبات عادی با امضای مدیر عامل و در غیاب ایشان یکی از اعضای هیئت مدیره هم‌راه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۱۸۰۶)

آگهی تغییرات شرکت تولید مواد اولیه آلومینیوم سهامی خاص به‌شماره ثبت ۵۹۶۷۸۸ و شناسه ملی ۱۰۰۱۰۱۳۱۲۰۲۶

به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی سه‌الیانه مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محمدرضا صافی به شماره ملی ۰۰۷۴۴۲۰۱۴۳ به سمت رئیس هیئت مدیره و محمدهای صافی به شماره ملی ۰۰۶۹۷۷۵۶۳ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و محمدهای صافی به شماره به شماره ملی ۰۰۶۹۷۷۵۶۳ به عنوان بازرس اصلی و موسس حسابرسی و خدمات مالی و مدیریت آب دیده محاسبان به‌شماره ملی ۰۰۰۴۴۹۰۱۰۴ عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کنیرا اطلاعات جهت دید آگهی انتشارات جهت دید تعیین شد. ترانزانه و حساب سود و زیان منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۱۸۰۸)

آگهی تغییرات شرکت تجارت گستر متین سهامی خاص به‌شماره ثبت ۲۳۸۰۰۴۳ و شناسه ملی ۱۰۰۰۲۵۸۹۰۰۵

به استناد صور تجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محمدرضا صافی به شماره ملی ۰۰۷۴۴۲۰۱۴۳ به سمت رئیس هیئت مدیره و محمدهای صافی به شماره ملی ۰۰۶۹۷۷۵۶۳ به عنوان بازرس اصلی و موسس حسابرسی و خدمات مالی و مدیریت آب دیده محاسبان به‌شماره ملی ۰۰۰۴۴۹۰۱۰۴ عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کنیرا اطلاعات جهت دید آگهی انتشارات جهت دید تعیین شد. ترانزانه و حساب سود و زیان منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۱۸۱۵)

آگهی تغییرات موسسه انجمن تخصصی صنایع همکن پلاستیک استان تهران به‌شماره ثبت ۱۵۲۵۱ و شناسه ملی ۱۰۰۰۰۳۸۲۹۵۰

به استناد صور تجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محمد یختیاری فرزند ججت‌اله به کدملی ۰۰۲۹۹۶۹۳۴۴۱ به‌سمت رئیس هیئت مدیره ومهدی باستانیان فرزند مجتبی به کدملی ۰۰۲۸۸۹۰۴۱۸۹ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره ومحمدرضا باستانیان نایب رسمی هیئت مدیره و باوقاض شیخ نجفی فرزند محمد اسماعیل به کدملی ۰۰۵۱۸۴۴۰۰۸ به سمت عضویت مدیر تعیین گردیدند. امضاء کلیه اسناد مالی و اوراق رسمی و بهادار و قراردادهای تعهدآور با امضاء مشترک محمد یختیاری و رئیس هیات مدیره در فرعیای روی آقای مهدی باستان فر نایب رئیس هیئت مدیره و آقای ژوبین قدوسی فرعیای خزانه دار متفق‌هم‌راه با مهر موسسه معتبر است و مکاتبات اداری و اوراق عادی با امضاء رئیس هیئت مدیره با دبیر انجمن با مهر موسسه معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۱۸۱۹)

آگهی تغییرات شرکت پاداش سهامداری توسعه یکم صندوق سرما به‌گذاری به‌شماره ثبت ۳۶۵۱۲ و شناسه ملی ۱۰۰۵۱۳۳۳۵۸

به استناد صور تجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۵ و مجوز شماره ۱۲۲/۱۷۵۷۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۷ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: کلیه اسناد و اوراق تعهدآور صندوق از جمله قرار دادهای، چک، سفته، برات و ... با امضاء دو نفر از باقر طاهریان در شماره ملی ۰۰۷۹۴۶۹۰۲۳۸ - یحیی پروانی شماره ملی (۴۵۱۲۴۱۹۷۱) به همراه مهر صندوق و سایر مکاتبات اداری و عادی با امضاء آقای محمود رضا خواجه نصیری و مهر صندوق معتبر است.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۱۸۲۰)

آگهی تغییرات صندوق سرما به‌گذاری

بازار گردانی آرماد اعلاء کشاورزی

به‌شماره ثبت ۳۵۴۸۱ و شناسه ملی ۱۰۰۰۲۴۴۴۹۱۰

به استناد صور تجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۰ و مجوز شماره ۱۲۲/۱۷۵۷۸ مورخه ۹۵/۱/۱۷ سازمان بورس تصمیمات ذیل اتخاذ شد : کلیه اسناد و اوراق تعهدآور صندوق از جمله قرار دادهای، چک، سفته، برات و ... با امضاء دو نفر از زان (محمدرضا خواجه نصیری شماره ملی ۰۰۲۹۹۳۳۶۱۲۴ باقر طاهریان فر شماره ملی ۰۰۷۹۴۶۹۰۲۳۸ - یحیی پروانی شماره ملی (۴۵۱۲۴۱۹۷۱) به همراه مهر صندوق و سایر مکاتبات اداری و عادی با امضاء آقای محمود رضا خواجه نصیری و مهر صندوق معتبر است.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۱۸۲۱)

آگهی تغییرات شرکت آساماشین پارس سهامی خاص به‌شماره ثبت ۰۰۲۵۳۳ و شناسه ملی ۱۰۰۳۲۰۵۴۴۲۶۰

به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۵/۶/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: امضاء هیئت مدیره به شرح ذیل به مدت دو سال انتخاب شدند: آقای علی یکتا مهری‌زانی به سمت رئیس هیئت مدیره به کد ملی ۰۰۴۲۸۷۲۳۶۱۹۲ آقای محمد رضا یکتا به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به کد ملی ۰۰۱۹۱۶۹۵۱۱۹۵ آقای علیرضا یکتا به سمت عضو هیئت مدیره و مدیر عامل به کد ملی ۰۵۵۵۷۷۹۲۲۵ روزنامه کنیرا انتشارات اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب گردید. آقای خواجهانی به شماره ملی ۰۰۶۹۳۷۸۲۳۱ - بنوناز بازرس اصلی و آقای سعید سعید مهدیون به شماره ملی ۰۰۷۱۷۵۱۲۹۷ - بنوناز بازرس علی‌البدل بمدت یکسال مالی انتخاب گردیدند

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۱۸۲۲)



خارجی ترکیه ندارد و طی یک سال اخیر بارها و با اقدامات و سخنان گوناگون این ناخرسندی را نشان داده. بنابراین با وجود تلاش‌های ظاهری در طرف بر کاهش تنش و روابط اقتصادی بگذارد. اقداماتی نظیر رای غیرالزام آور پارلمان اروپا برپای تعلیق گفتگوهای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در همین راستا قابل ارزیابی است. ناگفته نماند که رفتار باج گریانه دولت ترکیه بر سر مساله ی پناهندگان، اروپاییان را به شدت آزرده کرد.

نفوذ گسترده جنبش گولن در اروپا

تشکیلات جنبش نور به رهبری روحانی معروف، فتح الله گولن، یکی از بزرگترین موسسات فرهنگی و آموزشی جهان به شمار می‌آید و با دارا بودن ده‌ها مرکز فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و خویره، نفوذ گسترده‌ای در سطرط دولتی‌های کشورهای مختلف و به ویژه اروپای غربی و آمریکای شمالی

ترکیه و اروپا؛ هزار راه نرفته

شماره مجوز: ۱۳۹۶.۱۸۱

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه راهبری خدمات HSE و آتش نشانی مناطق عملیاتی شرکت نفت و گاز پارس شامل بخش خشکی و سکوهای دریایی به‌شماره ۳۵-۹۶-۹۴۳

شرکت نفت و گاز پارس به نشانی تهران، خیابان فاطمی، نبش خیابان پروین اعصابی، پلاک ۱، در نظر دارد پروژه راهبری خدمات HSE و آتش نشانی مناطق عملیاتی شرکت نفت و گاز پارس شامل بخش خشکی و سکوهای دریایی به صورت عمومی

و یک مرحله ای راه‌راه بار ارزیابی کیفی با شرایط زیر واگذار نماید.

مقتضی است نمایندگان متقاضیان شرکت در مناقصه جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی مناقصه بلافاصله بعد از چاپ آگهی نوبت اول تا روز کاری بعد از -چاپ آگهی نوبت دوم و تسا پایان وقت اداری به آدرس اینترنتی LacpogcirNEWCTDS و www.pogc.ir قسمت سامانه‌بر گزار ی مناقصات شرکت نفت و گاز پارس مراجعه فرمایند. مهلت تحویل استعلام ارزیابی کیفی ۱۴ روز از آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی به آدرس: تهران، خیابان فاطمی، نبش خیابان پروین اعصابی، پلاک ۱، واحد خدمات مناقصات شرکت نفت و گاز پارس بوده و چنانچه تغییراتی در آن به وجود آید از طریق آگهی اطلاع‌رشد کنندگان خواهد رسید.س. برآورد صورت گرفته این پروژه مبلغ ۳۳۱,۱۴۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد. مبلغ ضمانت نامه شرکت در قرأ پذیرا رجاع کار ۸,۰۲۲,۹۶۰,۰۰۰ ریال بوده که باید به صورت وجه نقد واریز به حساب شماره ۰۸۶۵۶۶۲۷۱/۱-بانک ملت واریز یا ضمانت نامه بانکی از یکی از بانک های معتبر کشور ارائه گردد. در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۸۳۷۶۲۶۰۵ تماس حاصل نمایند.

شرکت نفت و گاز پارس

روابط عمومی

نوبت اول

موضوع مناقصه: ساخت، نصب، تست و راه اندازی خط تولید هیدروکسید آلومینیوم از محلول فوق اشباع با ظرفیت یک تن درسات

۱. نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گر: شرکت آلومینیای ایران وابسته به ساز مان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران به‌نشانی استان خراسان شمالی - شهرستان جاجر-م -تلفکس ۰۰۵۸۰۲۳۶۰۰۳۰۶

۲. مهلت و مبلغ خرید اسناد مناقصه: داوطلبین می‌توانند جهت خرید اسناد مناقصه از تاریخ نشر آگهی دوم (۱۳۹۶/۱/۱۴) به‌مدت یک هفته با وار یز مبلغ ۱/۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به حساب فراگیر بانک تجارت به شماره ۰۴۷۲۵/۸۵۸۰۰ به نام شرکت آلومینیای ایران اقدام نمایند.

۳. مهلت دریافت اسناد مناقصه: استان خراسان شمالی - شهرستان جاجر-م -شرکت آلومینیای ایران -امور حقوقی و قراردادها- ضمناً دسترسی به اسناد مناقصه از طریق سایت شرکت آلومینیای ایران به نشانی www.iranaluminum.ir امکان پذیر می‌باشد و دریافت اسناد مناقصه هیچ گونه حقی را برای داوطلبین ایجاد نمی‌کند و مناقصه‌گزار در د با قبول هر یک با کلیه پیشنهادها مختار است.

۴. مهلت تحویل اسناد: استان خراسان شمالی - شهرستان جاجر-م -شرکت آلومینیای ایران - دبیر خانه امور اداری -مقتضایان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۰۵۸۲۳۶۰۰۳۰۶ و تلفا کس ۰۵۸۳۲۲۷۲۴۸۷ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت آلومینیای ایران

شرکت آلومینیای ایران

موضوع مناقصه: ساخت، نصب، تست و راه اندازی خط تولید هیدروکسید آلومینیوم از محلول فوق اشباع با ظرفیت یک تن درسات

۱. نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گر: شرکت آلومینیای ایران وابسته به ساز مان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران به‌نشانی استان خراسان شمالی - شهرستان جاجر-م -تلفکس ۰۰۵۸۰۲۳۶۰۰۳۰۶

۲. مهلت و مبلغ خرید اسناد مناقصه:

ترحیم

<div>به اطلاع تمامی دوستان و آشنایان می‌رساند مراسم بزرگداشت هفتمین روز درگذشت مرحومه مغفوره حاجیه خانم جمیله خاتون کر می «همسر مرحوم حاج علی قلی سر لک» از ساعت ۱۴ الی ۱۵:۳۰ عصر روز پنجشنبه مورخ ۹۶/۱۰/۲۴در مسجد نور تهران واقع در میدان فاطمی بر گزار می شود</div>
فرز ندان: حسین-غلامعباس-فاطمه-غلامرضا-زهر ا- علیرضا-بر اتعلی خانواده‌های: سر لک -غلامی- کر می- فرزندان -نامداری-محتشمی-اختری -نادری-رنجبر-شهاب لواسانی-منتظری نمین

<div> <div><div></div><div></div></div> <div> <p>پرسه</p> </div> </div>
 <div>باندوه فراوان به آگاهی خویشان، دوستان و آشنایان می‌رساند که مراسم پرسه مادر و خواهر عزیزمان شادروان همایون گیبو در روز دین ایزد و فروردین ماه برابر با پنجشنبه ۱۳۹۶/۰۱/۲۴ از ساعت ۱۴ تا ۲ بعد از نیمروز در محل تالار ایرج واقع در خیابان جمهوری، خیابان میرزا کوچک خان، کوی زرتشتیان بر گزار می گردد.</div>
بر بچهر فرین (سروشیان)، پروانه فرین (سهیل)، شکوفه فرین (یگانگی) و کیخسرو گیبو و خانواده‌های گیبو، فرین، سروشیان، سهیل، یگانگی، مهربانی، امانت، بنداریان‌زاده، مهربان، ستوده‌نیا، شاه‌رخ، مهر، وهرامی، سروشیان، شهر یاری و سایر خانواده‌های وابسته.

محمدعلی رحیمی شیبستری (بزرگ خاندان رحیمی شیبستری) رابه اطلاع اقوام، دوستان، آشنایان و همشهریان محترم شیبستری می‌رساند، مراسم ترحیم آن مرحوم روز پنجشنبه ۹۶/۱/۲۴از ساعت ۱۴ تا ۵بعدازظهر در مسجدنورشبستریهواقع در میدان فاطمی، اول خیابان یکم بر گزار می گردد. حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح انمر حوم و تسلاای خاطر باز ماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: رحیمی شیبستری – آقاجان زاده‌گلشنی – منافی شیبستری – نجفی شیبستری – نصری-برقی –نساج-روح‌زنده – تخیری-تاج‌بخش-خسروی-معینی شیبستری –اعظمی و سایر وابستگان سببی و نسبی.

یادبود

<div>۲۴ فروردین نهمین سالروز سفر به ملکوت اعلای نازنین همسر و خواهر دوست داشتنی‌مان حاجیه خانم فاطمه عادل‌ی رانکوهی است.</div>
<div>لحظه‌ای از عمرمان بی یاد او نمی‌گذرد در همه زمان گذشت عمرمان یادآور مهرپانیهاو گذشت‌های اودر تمام‌ایام زندگیش هستیم. نامش و خاطرات زیبایش جاوید و یادش گرامی باد.</div>
<div>از طرف همسر و فرزندان و خواهران</div>

انالله و انا الیه راجعون
<div>آن کس که مرا روح و روان بود پدر بود آن کس که مرا فخر زمان بود پدر بود افسوس که رفت از سرم آن سایه رحمت آن کس که برایم نگران بود پدر بود چهل روز گذشت</div>
<div><div></div><div>با نهایت تأسف و تأثر چهلمین روز درگذشت پدری مهربان و دلسوز مرحوم شادروان سید اسماعیل جعفری (بزرگ خاندان) را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.</div></div>
<div>به‌همین مناسبت مجلس بزرگداشتی روز جمعه ۹۶/۱/۲۴از ساعت ۱۰ الی ۱۱/۳۰ در منزل ابدی آن مرحوم واقع در بهشت زهرا(س) -قطعه ۳۰۰ منعقد می گردد.</div>
<div>وسيله اياب و ذهاب از درب منزل آن مرحوم مهيا مي‌باشد.</div>
<div>حضور پر محبت شما سروران گرامی موجب شادی روح آن عزیز از دست رفته و تسکین خاطر باز ماندگان خواهد شد.</div>

از طرف خانواده‌های: جعفری، آز موده، فرهادی، مظفرزاده، پارسایی نیامحامدی، دریس، و دباری، حسینی، فدایی، بسطامی، آهی، احمدی، نصیری و سایر بستگان و دوستان و آشنایان

از طرف خانواده‌های: جعفری، آز موده، فرهادی، مظفرزاده، پارسایی نیامحامدی، دریس، و دباری، حسینی، فدایی، بسطامی، آهی، احمدی، نصیری و سایر بستگان و دوستان و آشنایان

یاد همه‌ی درگذشتگان نیک و پارسا

<div>پس از گذراندن ۱۴ سال، در این روزهای زیبای بهاری یاد بزرگ مرد بی‌ادعا و نیک سر شست، همسر و پدر عزیزمان شادروان علی سیروس را گرامی می‌داریم به در خواست آن شادروان هزینه مراسم صرف امور خیریه خواهد شد.</div>
خانواده سیروس
«یادبود»

با یادی از همسر و پدر عزیزمان مهندس عباس فرقانی آبکناری جمعه شب در منزل ایشان پذیرای فامیل و دوستان می‌باشیم.
از طرف پرنیا رفقانی مطلق (فرقانی) جهان‌ناز و بهارک

ت‌رحیم
<div>مهری جان چه بی‌نشاط بهاری که بی رخ تو دمی‌دا بیست و چهارم فروردین ماه، یازده سال از سفر بی‌بازگشت گذشت.</div>
<div>چشمه‌های اشک چشمانمان سَرِ خشکیدن ندارند.</div>
خانواده‌های: سرمدی، شجاعی، عالیخانی و وابستگان
یادمان
<div>دلش به وسعت دریا مهربانی‌اش بی پایان در وسعت نگاهش آرام می‌گرفتیم</div>
<div>هنوز باور نداریم او در میان ما نیست.</div>

سومین سالگرد درگذشت جاودانه یاد شیرزاد کیانی را دگر بار یاد می‌کنیم.

<div>پنجشنبه ۲۴ فروردین ساعت ۱۶ در بهشت امامزاده ابراهیم(ع) آمل گرد هم می‌آییم.</div>
همسر و فرزندان

تسلیت
<div>خانواده‌های محترم حاج آقا ماشاءالله مراتی جناب آقای علی احمدی‌فر</div>
<div>با نهایت تأسف و تأثر در گذشت حاج آقا ماشاءالله مراتی را صمیمانه تسلیت عرض نموده و بقای عمر باز ماندگان را از درگاه احدیت خواستاریم.</div>
<div>خانواده‌های مهندس علی صالح‌نیا، علاءالدین و دکتر نادر زرین‌پور</div>

جناب آقای دکتر سامی زاده
<div>با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی برای بازماندگان و علو در جات برای آن مرحومه مسئلت می‌نماییم.</div>
<div>شرکت بی.ان.ام محمد حسن مرادی</div>

جناب آقای دکتر محمد آقاجانی
<div>معاونت محترم درمان وزارت بهداشت آموزش پزشکی کشور</div>
<div>با کمال تأسف و تأثر در گذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و شادی روح آن مرحومه و تسلی باز ماندگان را از خداوند متعال خواستاریم.</div>
<div>مدیر عامل ، هیئت مدیره ، پزشکان بیمارستان تهران</div>

آگهی تغییرات شرکت توسعه و سرمایه گذاری حکمت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۶۶۴۹۰وشناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۵۵۱۸۱
<div>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: - شرکت مذکور در تاریخ فوق محل اعلام گردید و آقای محمود رضا خلیج به شماره ملی ۰۰۷۱۷۸۶۰۳۱ به سمت مدیر تصفیه انتخاب شد. آدرس مدیر تصفیه و محل تصفیه: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، پش کوچه کامران، ساختمان روشن، پلاک ۲۹۴۳ طبقه نهم، واحد ۹۰۱ کدپستی ۱۹۶۵۵۳۲۱۴ می باشد.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۶۷)</div>

آگهی تغییرات شرکت تاسف و سرمایه گذاری توسعه نوین سهامی خاص به شماره ثبت ۲۲۳۲۶۰وشناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۴۵۸۴
<div>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: - شرکت مذکور در تاریخ فوق محل اعلام گردید و محمود رضا خلیج به شماره ملی ۰۰۷۱۷۸۶۰۳۱ به سمت مدیر تصفیه انتخاب و آدرس محل تصفیه: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، نش کوچه کامران، ساختمان روشن، پلاک ۲۹۴۳، طبقه نهم، واحد ۹۰۱ کدپستی ۱۹۶۵۵۳۲۱۴ می باشد.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۶۹)</div>

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور بافت شهر سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۱۴۸وشناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۸۵۱۱
<div>به استناد صورتجلسه هیئت مدره مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۹ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: - محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس تهران، خیابان سهروردی شمالی، بالاتر از چهارراه دکتر بهشتی، کوچه امامی، پلاک ۲۱. کدپستی ۱۵۵۱۶۳۷۱۱ تغییر یافت.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۷۰)</div>

آگهی تغییرات شرکت آرتام سار یانامدنا گار سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۳۵۲وشناسه ملی ۱۴۰۰۳۸۰۰۸۲۸
<div>به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۲ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: معصومه فروزان اردبیل به شماره ملی ۰۰۴۳۹۲۴۳۹ به سمت رئیس هیئت مدیره امین دین محمدی به شماره ملی ۰۰۸۰۸۶۶۹۸۰ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل سارا دین محمدی به شماره ملی ۰۰۱۷۶۳۲۸۲۱ به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق تعهد آور و شرکت از قبیل چک، برات، سفته و قراردادهای همچنین اوراق عادی و اداری به امضاء آقای امین دین محمدی به عنوان مدیر عامل و نائب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۷۱)</div>

جناب آقای دکتر محمد آقاجانی
<div>معاون محترم وزیر بهداشت دمان و آموزش و علوم پزشکی کشور</div>
<div><i>دکترشت مادر گرامی را تسلیت عرض می‌نمایم.</i></div>
پزشکان بیمارستان آرتا اردبیل

جناب آقای دکتر محمد آقاجانی
<div>معاون محترم درمان وزارت بهداشت و درمان با کمال تأسف و تأثر در گذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و شادی روح آن مرحومه و تسلی باز ماندگان را از خداوند منان خواستاریم.</div>
<div>از طرف هیئت مدیره بیمارستان و زایشگاه پاسارگاد دکتر مصطفی انوری</div>

جناب آقای دکتر محمد آقاجانی
<div>معاون محترم درمان وزارت بهداشت و درمان با نهایت تأسف و تأثر در گذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم.</div>
<div>هیئت مدیره، پزشکان و پرسنل بیمارستان تخصصی مادران</div>

جناب آقای دکتر آقاجانی
<div>معاونت محترم درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی</div>
<div>با نهایت تأسف در گذشت والده مکرمه را به حضر تعالی تسلیت عرض نموده و از خداوند قادر متعال برای آن مرحومه آمزش و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر بازماندگان طول عمر مسئلت داریم.</div>
<div>هیئت مدیره انجمن علمی متخصصین علوم آزمایشگاهی بالینی ایران</div>

جناب آقای دکتر محمد آقاجانی
<div>معاونت محترم درمان وزارت بهداشت و آموزش پزشکی کشور</div>
<div>با کمال تأسف و تأثر در گذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن مرحومه رحمت و غفران و برای بازماندگان طول عمر مسئلت داریم.</div>
<div>مدیر عامل – هیئت مدیره و پزشکان بیمارستان مدائن</div>

جناب آقای دکتر محمد آقاجانی
<div>معاون محترم درمان وزارت بهداشت و درمان با نهایت تأسف و تالم مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت و غفران و برای باز ماندگان طول عمر مسئلت دارم.</div>
<div>دکتر مسیح سیدمدنی – مدیر عامل بیمارستان البرز تهران</div>

آگهی تغییرات شرکت بسیار شیمی سیدان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۶۲۲۰وشناسه ملی ۱۰۲۶۰۶۲۱۵۷۷
<div>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۲ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: نشانی مرکز اصلی شرکت به تهران شهر تهران- هفت پز خیابان شهید جعفر غفر- ادیب-پلوار کریم خان زند- پلاک ۳۴- طبقه همکف- کدپستی ۱۵۸۴۹۳۵۱۱ تغییر یافت وماده مربوطه در اسانسه املاک علاج گردید.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۷۴)</div>

آگهی تغییرات شرکت تاسف و سرمایه گذاری کستر محاسب سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۵۰۹۸وشناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۷۳۸۱۱
<div>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۴ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: - آقایان نعمت اله سبزو زاده به کد ملی ۰۰۷۱۷۸۶۰۳۱، اشکان سبزو زاده به کد ملی ۰۰۷۱۷۸۶۰۳۱ و آرش زمانی راد به کد ملی ۰۰۷۱۲۸۳۲۱۱ به عنوان اعضاء اصلی هیات مدیره و آقای افشین سبزو زاده به کد ملی ۰۰۵۲۷۷۰۹۴ به عنوان عضو علی البدل هیات مدیره انتخاب گردیدند. - روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۷۵)</div>

آگهی تغییرات شرکت انرژی تابان پویا سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۰۵۵وشناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۱۹۰۱۵
<div>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۲ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و صورت سود و زیان برای دوره مالی منتهی به تاریخ ۹۵/۶/۳۱ مورد تصویب قرار گرفت. - موسسه حسابرسی بهراد مشار به شماره ثبت ۱۳۸۹۸ و شناسه ملی ۰۰۷۱۹۹۹۰۰۸۴۰ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی آزمون پروزان ایران مشوهده به شماره ثبت ۴۱۸۷۱ و شناسه ملی ۰۰۱۶۸۶۷۲۵۱۰ به عنوان بازرس علی البدل، - روزنامه بارس سال مالی منتهی به ۹۶/۶/۳۱ تعیین گردید. - روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیر الانتشار جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۷۲)</div>

همکار محترم جناب آقای محمد واحدی خانواده محترم حسن زاده
<div>با نهایت تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم علو در جات و برای باز ماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.</div>
<div>اومر مالی - اداره حسابدار یها- بودجه و گزارشات - حقوق و دستمزد - سازمان وصول - اداره اموال و انبار های موسسه اطلاعات و شرکت ایر انچاپ</div>
<div>جناب آقای دکتر محمد آقاجانی معاون محترم سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی</div>
<div>با نهایت تأسف در گذشت مادر گرامیتان را تسلیت می‌گوییم. از ایزد متعال برای آن فقیده سعیده شادی روح و علو در جات و برای باز ماندگان صبر و بردباری، طول عمر توام با عزت و سلامت آرزو می‌نماییم.</div>
<div>بانک چشم جمهوری اسلامی ایران</div>

معاونت محترم درمان وزارت بهداشت سرور ارجمند و گرامی جناب آقای دکتر محمد آقاجانی
<div>انالله و انا الیه راجعون</div>
<div>مادر حضور مقدسی است که به زندگی معنا می‌بخشد و فقدانش بسی جانکاه است ولی در برابر تقدیر الهی چاره‌ای جز تسلیم نیست.</div>
<div>ضایعه در گذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم.</div>
<div>خداوند متعال روح پاکشان را با سرور و مان حضرت زهرا(س) محشور و به باز ماندگان صبر جزیل عنایت فرماید.</div>
<div>هیئت امنا، هیئت مدیره، ریاست، مدیریت، پزشکان و کارکنان بیمارستان خیریه سوم شعبان</div>

قابل توجه دانشمندان خدمات مجلس ترحیم و بزرگداشت
<div>تالارها <ul style="list-style-type: none">رستوران‌ها</div>
<div>مرکز طبخ غذا <ul style="list-style-type: none">گل فروشی‌ها</div>
<div>حکاکان <ul style="list-style-type: none">پارچه نویسان</div>
<div>فیلمبرداران و عکاسان <ul style="list-style-type: none">تابلو سازان</div>
<div>ظروف کرایه، ظروف یکبار مصرف و ...</div>
<div>برای درج آگهی در صفحه ترحیم و تسلیت با شماره های زیر تماس بگیرید:</div>
<div>۱۹-۲۲۲۵۸۰۱۴ <p>۲۲۲۲۳۶۹۴ <ul style="list-style-type: none">۲۹۹۹۴۲۴۹ ۲۹۹۹۴۲۶۱</p></div>

آگهی تغییرات شرکت بعدنگار ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۷۴۰وشناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۴۴۷۵۸
<div>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۳ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: آقایان افشین سبزو زاده کد ملی ۰۰۵۴۷۷۵۰۹۴، آرش زمانی راد کد ملی ۰۰۷۱۲۶۶۳۲۱ و اشکان سبزو زاده کد ملی ۰۰۷۱۲۵۸۵۶۶ به عنوان اعضای هیات مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند. - روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۸۰)</div>

آگهی تغییرات شرکت بعدنگار ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۷۴۶وشناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۴۴۷۵۸
<div>به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۳ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: آقای افشین سبزو زاده کد ملی ۰۰۵۴۷۷۵۰۹۴ به سمت رئیس هیات مدیره - آقای آرش زمانی راد کد ملی ۰۰۷۱۲۶۸۳۲۱ به سمت مدیر عامل - آقای اشکان سبزو زاده کد ملی ۰۰۷۱۲۵۸۵۶۶ به سمت نائب رئیس هیات مدیره تعیین گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار، تعهد آور و چک، ها، بروات، سفته ها و سایر اوراق تجاری تا امضاء دو نفر از اعضای هیئت مدیره با مهر شرکت (چک ها همراه با پر فراز) معتبر خواهد بود و سایر نامه های اداری با امضاء مدیر عامل و مهر شرکت معتبر می باشد.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۸۲)</div>

آگهی تغییرات شرکت دار و سازی طب مفید نیکان سهامی خاص به شماره ثبت ۹۶۹۵۲وشناسه ملی ۱۴۰۰۰۹۳۳۱۶
<div>به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۶ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: آقای سید علی سبحانیان به شماره ملی ۰۰۴۲۸۰۷۲۵۹ به سمت رئیس هیات مدیره، آقای مرتضی آذر نوش به شماره ملی ۰۰۴۲۵۶۷۲۰ به سمت نائب رئیس هیات مدیره، خانم ریحانه طیب زاده به شماره ملی ۰۰۵۴۶۴۴۷۵۸ و خانم سارا سادات سبحانیان به شماره ملی ۴۷۱۰۳۰۶۶۳۱ و آقای سید وحید سبحانیان به شماره ملی ۴۷۱۰۵۱۶۹۵۲ به سمت اعضای هیأت مدیره و آقای دکتر محمد رضا زرگرزاده به شماره ملی ۲۲۹۲۰۳۳۲۷۹ به سمت مدیر عامل خارج از هیأت مدیره انتخاب شدند. هیأت مدیره در اجرای ماده ۴ اسانسه شرکت اختیارات مربوط به پندهای «۱»، «۴»، «۵»، «۸» و «۱۳» مندرج در ماده مذکور را به مدیر عامل تفویض نمود. دارندگان و سفته ها، سایر اوراق تجاری و اوراق بهادار با مهر شرکت اعم از چکها، بروات، سفته ها، سایر اوراق تجاری و اوراق بهادار و غیره همیشه با امضاء متفق مدیر عامل و یکی از اعضای هیئت مدیره و در صورت غیاب یک نفر از آنها (مدیر عامل یا رئیس هیئت مدیره) با امضاء دو نفر از اعضاء هیئت مدیره ممهور به مهر شرکت معتبر خواهد بود. اوراق عادی با امضاء آقای محمد رضا زرگرزاده و مهر شرکت و در صورت غیاب ایشان با امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره معتبر خواهد بود.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۸۱)</div>

آگهی تغییرات شرکت حمل نقل مهین ماسه ریخته گری فیروز کوه سهامی خاص به شماره ثبت ۷۲۱وشناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۹۵۷۲۰
<div>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۳۰ و مجوز شماره ۱۱۷۵۸/۶۲۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۱۲ اداره کل راهداری و حمل نقل جاده ای استان تهران تصمصیات ذیل اتخاذ شد: - موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت رهبین به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۷۹۳۱۱ به سمت بازرس اصلی و موسسه حسابرسی شاخص آندیشان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۷۳۳۲۳ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند. - ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. - روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید.</div>
<div>حجت اله قلی تبار - سرپرست اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری شهر استنهای استان تهران سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری فیروز کوه (۳۱۸۸۴)</div>

آگهی تغییرات شرکت دار و سازی طب مفید نیکان سهامی خاص به شماره ثبت ۹۶۹۵۲وشناسه ملی ۱۴۰۰۰۹۳۳۱۶
<div>به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۶ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: آقای سید علی سبحانیان به شماره ملی ۰۰۴۲۸۰۷۲۵۹ به سمت رئیس هیات مدیره، آقای مرتضی آذر نوش به شماره ملی ۰۰۴۲۵۶۷۲۰ به سمت نائب رئیس هیات مدیره، خانم ریحانه طیب زاده به شماره ملی ۰۰۵۴۶۴۴۷۵۸ و خانم سارا سادات سبحانیان به شماره ملی ۴۷۱۰۳۰۶۶۳۱ و آقای سید وحید سبحانیان به شماره ملی ۴۷۱۰۵۱۶۹۵۲ به سمت اعضای هیأت مدیره و آقای دکتر محمد رضا زرگرزاده به شماره ملی ۲۲۹۲۰۳۳۲۷۹ به سمت مدیر عامل خارج از هیأت مدیره انتخاب شدند. هیأت مدیره در اجرای ماده ۴ اسانسه شرکت اختیارات مربوط به پندهای «۱»، «۴»، «۵»، «۸» و «۱۳» مندرج در ماده مذکور را به مدیر عامل تفویض نمود. دارندگان و سفته ها، سایر اوراق تجاری و اوراق بهادار با مهر شرکت اعم از چکها، بروات، سفته ها، سایر اوراق تجاری و اوراق بهادار و غیره همیشه با امضاء متفق مدیر عامل و یکی از اعضای هیئت مدیره و در صورت غیاب یک نفر از آنها (مدیر عامل یا رئیس هیئت مدیره) با امضاء دو نفر از اعضاء هیئت مدیره ممهور به مهر شرکت معتبر خواهد بود. اوراق عادی با امضاء آقای محمد رضا زرگرزاده و مهر شرکت و در صورت غیاب ایشان با امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره معتبر خواهد بود.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۸۱)</div>

آگهی تغییرات شرکت دار و سازی طب مفید نیکان سهامی خاص به شماره ثبت ۹۶۹۵۲وشناسه ملی ۱۴۰۰۰۹۳۳۱۶
<div>به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۶ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: آقای سید علی سبحانیان به شماره ملی ۰۰۴۲۸۰۷۲۵۹ به سمت رئیس هیات مدیره، آقای مرتضی آذر نوش به شماره ملی ۰۰۴۲۵۶۷۲۰ به سمت نائب رئیس هیات مدیره، خانم ریحانه طیب زاده به شماره ملی ۰۰۵۴۶۴۴۷۵۸ و خانم سارا سادات سبحانیان به شماره ملی ۴۷۱۰۳۰۶۶۳۱ و آقای سید وحید سبحانیان به شماره ملی ۴۷۱۰۵۱۶۹۵۲ به سمت اعضای هیأت مدیره و آقای دکتر محمد رضا زرگرزاده به شماره ملی ۲۲۹۲۰۳۳۲۷۹ به سمت مدیر عامل خارج از هیأت مدیره انتخاب شدند. هیأت مدیره در اجرای ماده ۴ اسانسه شرکت اختیارات مربوط به پندهای «۱»، «۴»، «۵»، «۸» و «۱۳» مندرج در ماده مذکور را به مدیر عامل تفویض نمود. دارندگان و سفته ها، سایر اوراق تجاری و اوراق بهادار با مهر شرکت اعم از چکها، بروات، سفته ها، سایر اوراق تجاری و اوراق بهادار و غیره همیشه با امضاء متفق مدیر عامل و یکی از اعضای هیئت مدیره و در صورت غیاب یک نفر از آنها (مدیر عامل یا رئیس هیئت مدیره) با امضاء دو نفر از اعضاء هیئت مدیره ممهور به مهر شرکت معتبر خواهد بود. اوراق عادی با امضاء آقای محمد رضا زرگرزاده و مهر شرکت و در صورت غیاب ایشان با امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره معتبر خواهد بود.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۸۱)</div>

آگهی تغییرات شرکت دار و سازی طب مفید نیکان سهامی خاص به شماره ثبت ۹۶۹۵۲وشناسه ملی ۱۴۰۰۰۹۳۳۱۶
<div>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۴ تصمصیات ذیل اتخاذ شد: آقایان نعمت اله سبزو زاده به کد ملی ۰۰۷۱۷۸۶۰۳۱، اشکان سبزو زاده به کد ملی ۰۰۷۱۷۸۶۰۳۱ و آرش زمانی راد به کد ملی ۰۰۷۱۲۸۳۲۱۱ به عنوان اعضاء اصلی هیات مدیره و آقای افشین سبزو زاده به کد ملی ۰۰۵۲۷۷۰۹۴ به عنوان عضو علی البدل هیات مدیره انتخاب گردیدند. - روزنامه کنترالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.</div>
<div>سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۸۵۳)</div>

فرهنگ

چهارشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۶ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نود و یکم - شماره ۲۶۶۹۲

۲

خاطرات یک گنجینه
از دفترهای قدیم

۳

استاد سیدجعفر شهیدی
درباره منطق یونانی

۵

در کوچه باغ اندیشه
«مشیت» نانی که می خوریم

۵-۴

باورهای درباره رستنی ها در ایران
درخت در تهران

۷

نوقان در تاریخ
نوقان یا نوغان

۵-۴

هنر ایران به روایت علی اصغر حکمت
میان قاجار

درباره استاد باستانی پاریزی یادی از استاد

محمدجواد سالمی پاریزی

«روزگار آرزوها» و تجدید خاطرات خوش گذشته خود نماید حال آیا می توان-از پاریز و خبرهای آن از تنها باقی مانده ایام خوش گذشته آن روزگاران - که همان باد جانبخش بهاری اش که همیشه یاد آن جان وی را تازه و زنده میکرد. از درختان گردوی قد رودخانه فصلی پاریز از سروهای قدیمی باغ حاج عزیز -از خانه پدری که در آن صرف میر را یاد گرفت و رونویسی تمام و کمال اشعار حافظ را نمود و در حافظه خود ضبط کرد از اصطلاحات محلی -از ساختمان مدرسه اولیه پاریز، و مالک آن شیخ محمد حسن زیدآبادی از کوچه پس کوچه ها، از شب های مهتابی با ستاره هایش از ورزش باد صبا و فصل گلریزان در باغ های آن که هنوز طنین سروده زیبای «یاد آن شب که صبا بر سر ما گل می ریخت» که در بهاران هم زمان با گلریزان سروده شده به گوش می رسد سخن نگفت؟

به روزگار جوانی درود باد دورود

که دوره خوش من دوره جوانی بود
نبود اندوه بود و نبود و خوش بودم

خوش است آنکه به فکر بود و نبود
از سال ۱۳۳۳ شمسی که استاد از پاریز برای ادامه تحصیل در دانشسرای کرمان به شهر کرمان مسافرت می کند و در آن سال سعی به چاپ رونویس نامه ها و اشعار جمع آوری شده شیخ محمد حسن زیدآبادی «پیغمبر دزدان» که در سال ۱۳۲۴ منجر به چاپ اولین کتاب در کتاب فروشی گلپهادر کرمان بنام «پیغمبر دزدان» می گردد تا آخرین کتاب به ظاهر آخر ایشان و شاید «هزار باده نخورده در بن تاک باشد» بنام «کوها باهم اند» که در سال ۱۳۹۴ پس از وفات استاد به چاپ رسیده هفت دهه می گردد نمی دانم چگونه این حسن اتفاق می تواند ایجاد شود که باز هم عدد هفت که استاد معمولاً بیان می کرد «باز هم عدد هفت گریبانگیر ماست» بیانگر هفت دهه نویسندگی ایشان است.

به بازیگری ماند این چرخ مست

که بازی برآرد به هفتاد دست
در این فاصله زمانی هفتاد سال نویسندگی، در مجموع ۶۶ جلد کتاب وجود دارد. آغازین سخن استاد در مقدمات و یا در متن کتاب ها به هر بهانه ای بدون نام پاریز و بدون رعایت سؤگندی که در مورد کرمان نموده است وجود ندارد.

هزار بار قسم خوردم که نام تورا

به لب نیارم اما قسم به نام تو نبود
ادامه در صفحه ۶

آموزه

تنها از طریق عشق است که
می توانیم به حقیقت برسیم،
زیرا خداوند، تنها حقیقت
نیست، عشق نیز هست



مهاتما گاندی

قلم انداز

انسان و تصویرش

هر کجا که میان تصویر درونی انسان از خودش و تصویری که بیرون ارائه می کند، تعارض و تناقض پدید می آید، انسان می کوشد با رفع این تعارض و تناقض ها در دامن تصویر واقعی خویش آرام بگیرد و حرکت خویش را در جستجوی تصویر درست و واقعی از سر بگیرد. در کوتاه ترین تعبیر ممکن می توان گفت: زندگی صحنه تصویر است: تصویر انسان از خودش و تصویری که در نزد دیگران دارد. در این صحنه، تلاش اصلی برای رسیدن به تصویری دوست داشتنی و قابل قبول هم به لحاظ شخصی و در ذهن خود و هم در نزد دیگران و اذهان دیگر است.

بر همین اساس و به دلیل اهمیت تصویر و تعیین کننده بودن آن و محوریتی که در زندگی هر شخصی دارد، جابه جایی تصاویر و حرکت درونی و بیرونی تصویر یکی از واقعیت های جاری، پیوسته و همه روزه انسان است که پیوسته ذهن او را بی قرار می کند. برخی از تصاویر برای انسان آرام بخش است و خشنودی او را به دنبال می آورد. اما تصویری دیگر او را منقبض و بدحال و حتی افسرده می کند. ما تحت هیچ شرایطی بی تصویر نیستیم و هر تصویری، حاوی رهاوردی درونی و بیرونی است که به حالات ما شکل می دهد.

تصویرهای دلخواه و مطلوب، انسان را در موجی از آسایش و شادمانی و رضایت غوطه ور می کند اما تصویرهای نامطلوب موجبات ناآرامی او را فراهم می کند و آشوبی ذهنی در وجودش پدید می آورد که بلافاصله در رفتارهای او نمود پیدا می کند. به این ترتیب، درون و بیرون انسان، عرصه جنگ ها و صلح هایی است که تصاویر برپا می کنند: تصویر انسان.

تصویرهایی غمبارند و پرنده آرامش را از وجود انسان به پرواز و کوچ وادار می کنند و تصاویری شادای آورند و پرنده آرامش را به لانه وجود انسانی برمی گردانند. تصویری موجب خشمند و تصویری دیگر، نوعی از لذت و مستی را بر وجود مستولی می کنند. تصویری جان را به سکون و انجماد و افسردگی می کشانند و در مقابل تصویری دیگر هیجان و توانایی و قدرتی بی پایان را در جان انسان به حرکت و جنب و جوش وادار می کنند.

و چنین است که انسانها ملهم و متأثر از تصویرهایی که خواسته و ناخواسته در ذهن آنها قاب بسته می شود، موجودیت خویش را سامان می دهند و رفتارهای فردی و اجتماعی خویش را تنظیم می کنند.

شاهد بر این موضوع، حالات و اطوار و رفتارهای هر انسان در هر روز و هر ساعت است که پیوسته به گونه ای است و هیچ روز و هیچ ساعتی بر یک منوال نیست و از شما چه پنهان که قابل پیش بینی هم نیست. بی جهت نیست که رفتار انسان قاعده ندارد و فرمول نمی پذیرد. هیچ یک از مکتب های روانشناسی تا امروز نتوانسته اند رفتارهای درونی و بیرونی انسانها را کلاسه بندی کنند و به درستی از عهده پیش بینی رفتارهای انسانی در موقعیت های مختلف برآیند.

رفتارسنجی انسانها، نشان دهنده مجموعه ای از ابهام ها و مجهول ها است و کسی به درستی نمی داند که انسانها در چه شرایطی چه رفتاری از خود نشان خواهند داد و نوع مواجهه آنها با مسائل چگونه خواهد بود. تنها چیزی که دانسته است و قدر مسلم، این است که موضوع به میزان زیادی مرتبط با تصویری است که هر لحظه ممکن است در ذهن انسان رخ نماید و توقف کند.



تاریخ

دکتر شیرین بیانی



در آن زیسته‌اند.

البته هیچ دوره‌ای نه خالی از لطف است و نه خالی از دغدغه و اشکال. بدنبال این طرز تفکر هنگامی که مادرم می‌خواست برای اولین بار مرا به اروپا برد و گوشه‌هایی از این قارهٔ شگفت را به من بنمایاند، و قبل از آن زمانی که به اتفاق مادر بزرگم می‌خواستیم سفری به کشور عراق نماییم، گفتم که ایشان این دفتر را همراه با نوشتهٔ پشت آن، به من هدیه کردند و گفتند: «شیرین! آنچه را که می‌بینی در این دفتر یادداشت کن. روزی خواهد رسید که هنگامی که آن را گشودی خوشحال و متعجب خواهی شد؛ و این درست حالی بود که پس از سالها سپری شدن از آن دوران، وقتی دفتر را گشودم، به‌من دست داد.

پس از انجام دست‌نویس مادر بزرگم در این دو سفر، گفته و خواستهٔ ایشان را برخلاف سایر گفته‌ها و خواسته‌هایشان به دست فراموشی سپردم و دیگر سفرنامه‌ای ننگاشتم. راستش حواسم به موضوعها و چیزهای دیگری مشغول شد.

در «پوشه» اوراقی پراکنده نگاهداری می‌شود که حالتی تازه‌تر و نوتر از سایر دفترها دارد. آنها را ورق زدم. یک نوشته یافتیم که به مناسبت بیستمین سالگرد ورود خود به دانشگاه تهران، از زمان تحصیل تا تدریس نگاشته بودم. بیشترین خاطرات زندگی‌ام، گذشته از خانه و خانواده در دانشگاه گردآوری شده؛ که دربارهٔ آن در کتاب دیگری گفت‌وگو داشته‌ام. گذشته از آن، چند شعر یافتیم که اغلب آنها را برای فرزندانم، رامین و مهران، سروده‌ام. زمانی که هر دو با هم برای تحصیل به خارج از کشور رهسپار شدند؛ یک باره من دور از آنها باقی‌ماندم؛ و لحظات بسیار سختی را گذرانیدم. با سرودن شعر، ساعتی چند درد دوری برایم قابل تحمل می‌شد.

سپس به دنبال گذر سالیانی دیگر که از درد فراق رها شدم؛ بار دیگر و این بار نوه‌هایم نیز از ما دور شدند و باز من به سرودن شعر روی آوردم!

خلاصه اینکه: هنگامی که آن چهار دفتر را گشودم، گویی یک‌باره دوران کودکی و نوجوانی و سرانجام جوانی‌ام، پیش‌رویم گشوده شد؛ تر و تازه. همه چیز در آن، زندگی و تپندگی و تپندگی داشت. گویی سالها و ماه‌ها بر آن نگذشته بود. نمی‌دانم چرا خاطرات این همه لذت‌بخش است. حتی وقایع تلخ زندگی روزمره، هنگامی که به صورت خاطره درمی‌آیند، تلخی خود را از دست می‌دهند و شیرین و بامزه می‌شوند.

در این میان با شگفتی هرچه تمام‌تر دریافتیم که اگر امروز قلم به‌دست می‌گرفتم و با این موضوع‌ها و یادبودها روبرو می‌شدم، تقریباً مطلب چندان زیادتیر یا عمده‌تری نداشتم که به آنها بیافزایم. همچنین دریافتیم که جز مقداری «شناخت» از زندگی و انسان‌ها؛ که با کسب تجربه‌های گوناگون از دیده‌ها، شنیده‌ها، یافته‌ها، خواننده‌ها و مسافرت‌ها به دست آمده، چیز دیگری بر من افزوده نشده است. گویی من همان شیرین دوران کودکی‌ام. البته این «شناخت» متأسفانه و علی‌رغم

میل قلبی‌ام با مقداری «بدبینی» همراه است. این «خودپایی» مرا غرق در افسوس و تأسف ساخت. با خود اندیشیدم که گذر عمر چرا باید تجربه‌ها در احساس لطیف کودکی و نوجوانی خدشه و قلق ایجاد نماید؟ و از خود سؤال کردم که: آیا این «شناخت» به این «بدبینی» می‌ارزد؟ که البته جواب مثبت بود؛ و سرانجام با خود گفتم: ای کاش این «بدبینی» حاصل نشده بود؛ هرچند که در روند و سبک زندگی من تأثیری برجای نگذاشته است.

خاطرات یک گنجینه

از دفترهای قدیم



از پشیم و کرک خالص؛ تا بر تن کوچک ما گزندی حاصل نیاید. گذشته از آن زمانی که روزها در موزه «ایران باستان» (موزه ملی ایران کنونی) عهده‌دار شغل «موزه داری» بود، سرپرستی ما را مادر بزرگ بر عهده می‌گرفتند، که نمونه‌بارز مادری تمام عیار بودند، و ما کمبودهای چند ساعت دوری از مادر را با نوازشها و مراقبت‌های مادر بزرگی از مادر مهربان‌تر جبران می‌کردیم. مریم، پرستار ما، دختری جوان و شیرازی بود، با هیكلی درشت که گیسوی بلند خود را دوتا می‌بافت و در کنار دست مادر و مادر بزرگ، از ما مراقبت می‌کرد؛ ولی از نظر من موجودی چندان خوش‌رو و شیرین نبود. تنها خاطرهٔ خوشی که من از او دارم اینست که گاه خانواده‌اش از شیراز برای او انجیر خشک - که به نخ کشیده شده بود - می‌فرستادند و او آنها را در صندوق خود نگاه می‌داشت و گاهی که هوس خوردن مقداری از آن را می‌کرد، چند دانه از آن انجیرهای خشک به نخ کشیده را به من هم می‌داد. من از همان کودکی انواع خشکبار از قبیل: آلبالو خشکه، لواشک، جوزقند، برگهٔ هلو و زردآلو را بسیار دوست می‌دارم. سرانجام مریم با مستخدم خانه که از او جواتر بود، کارش به ازدواج کشید و هر دو از خانه ما رفتند.

خانه ما خانهٔ عجیبی است؛ دو خانهٔ بزرگ تو در تو و حیاط‌های بزرگ که دره‌ایش به روی هم باز می‌شود. مادر بزرگ و پدر بزرگ، مادر و پدرم و ما بچه‌ها، و خانوادهٔ خاله‌ام در این دو خانهٔ تو در تو زندگی می‌کنیم و مادر بزرگ سرپرست خانه و خانواده ماست، و ای کاش هر خانه‌ای چنین سرپرستی داشته باشد. هنگامی که به مادر بزرگم می‌اندیشم به یادبانوان نیک اساطیری «شاهنامه» فردوسی می‌افتم. از آن بانوانی که با

طمأنینه و وقار، حلم و شکبایی، بزرگواری و بزرگ‌منشی، عقل و کیاست و مهربانی چرخهای زندگی داخلی و خارجی را می‌گردانند و از کسی چشمداشت سپاس ندارند؛ تنها هدفشان این است که کارها به‌خوبی و خوشی و ملایمت و مراقت بگذرد؛ و ایشان محصل زحمات خود را اینگونه دریافت دارند.

اینک که کمی عقلم بیشتر می‌رسد و می‌اندیشم، در می‌یابم که بزرگترین سر توفیق پدر بزرگم که مردی از همه جهت موفق در زندگی شرافتمندانه‌اش بود، داشتن چنین همسری فهم، فداکار، بلندنظر، با گذشت، عاقل و مهربان بود. مادر بزرگم از زیبایی نیز بهره فراوان دارد: چشمانی درشت، منگی و بادامی و براق، که ابروانی کمائی که به بهترین وجهی بر بالای این چشمها قوس زده است، این زیبایی را دو چندان می‌سازد.

پدر بزرگم ظاهر زیبا و هم باطن آراستهٔ همسر را ارج می‌نهد و هر دو را می‌ستاید. این خانوادهٔ پرجمعیت، اشتغال مادرم در خارج از خانه، فعالیت‌های سیاسی پدر بزرگ و فعالیت‌های علمی و سیاسی پدرم، خانه را بیش از پیش پررفت و آمد می‌کند و طبعاً احتیاج به مستخدمین و رانندگان چندی دارد که البته با رفتن مریم و شوهرش می‌بایست فکری فوری برای جانشین او می‌شد. مسلماً لازم بود در انتخاب مستخدمین خانه نهایت درجه احتیاط و دقت به عمل آید تا فردی ناباب وارد خانه‌ای این چنین نگردد؛ هرچند که امنیت و اعتماد انسانها نسبت به یکدیگر کم نیست.

نیاز ما به یک پرستار خوب و مطمئن به دوستان و خویشان اطلاع داده شد؛ و روزی نه چندان دور، خالهٔ مادرم با تلفن خبر داد که: فردی را یافته است که شاید به درد بخورد. بیایید و از نزدیک او را ببینید! مادرم عصر فردا را قرار گذاشت؛ و همگی به خانهٔ خاله مادرم رفتیم.

ما خاله مادرم این بانوی زیبا و دوست داشتنی را بسیار دوست می‌داریم. خانهٔ ایشان در محلهٔ امیریه، کوچهٔ مهدیه واقع است؛ و چه محلهٔ سوزنده و آباد و پر و پیمان و با حالی. امیریه از آن محله‌های قدیمی تهران است که گذشته از خانواده‌های اصیل، کاسب کارهای با معرفت و جوانمرد در آن ساکنند.

همسایه‌ها همدیگر را می‌شناسند، بهم احترام می‌گذارند و در مواقع ضروری به کمک هم می‌شتابند و در مواقع مقتضی، پیشکش و نذری بین هم رد و بدل می‌کنند. خلاصه از محله‌هایی است که تهران اصیل را به درستی می‌نمایاند و می‌شناساند. چنارهای کهن و آب روانی که پیوسته در نهرهای دوسوی خیابان پهلوی جاری است، و کوچه‌های اطراف را نیز مشروب می‌کند، حال و هوای خاصی به محله بخشیده است.

خانهٔ خالهٔ مادرم نیز نمونه‌ای بارز از خانه‌های اصیل تهرانی در این محله است. خانه‌ای دو طبقه، وسیع، آجری، با جرزهای کلفت، سقفهای بلند، پنجره‌های نه چندان بزرگ چوبی مشبک، اتاقهای متعدد و حیاطی مشجر و باصفا با آب روان داریم. ایمن آب از کوچه وارد جویی در خانه می‌شود، از آنجا وارد حوضی سنگی و کوچک می‌گردد، و سپس دوباره وارد جویی دیگر می‌شود و به حوض اصلی که بزرگتر است می‌ریزد، و آنگاه از جویی دیگر از زیر دیوار به خانهٔ همسایه راه می‌یابد. کنار حوض اول، و دو جوی دو طرفش، علاوه بر صندلی‌های متعدد، تختی چوبی که با قالیچه‌ای زیبا مفروش است، گذاشته شده؛ و هرکس که می‌خواهد صفا کند مدتی روی آن می‌نشیند.



تفکر

استاد سید جعفر شهیدی ۲/

درباره منطق یونانی

مهم‌ترین مسائل که در چنین عصر بین مسلمانان مورد بحث قرار گرفت، این بود: خدا چیست و چگونه است؟ آیا خدا بر همه چیز توانست یا قدرت او محدود است؟ آیا خدا همه چیز را می‌داند؟ علم خدا به موجودات چگونه است؟ آیا انسان در کارهای خود دارای اختیار است یا از خود قدرت و اختیاری ندارد؟ اگر مختار است، خدا چرا بدو چنین قدرتی داده است که نافرمانی او کند؟ و اگر مجبور است، چرا او را عذاب می‌کند؟ پیغمبران چگونه با خدا مربوط می‌شوند؟ چرا از میان همه مردم، تنها یکی بدین مزیت اختصاص می‌یابد؟ آدمی پس از مرگ چگونه زنده می‌شود؟ امام چه کسی است و حدود اختیار او تا کجاست؟ اگر امام مصلحت مسلمانان را نادیده بگیرد، تکلیف مسلمانان چیست؟ اگر امام برخلاف مصلحت مسلمانان رفتار کند، مسلمانان اجازه دارند علیه او قیام کنند یا نه؟

طرح نظرهای موافق و مخالف درباره این مباحث توأم با استدلال منطقی گردید و به عبارت دیگر منطق حکم دژ استواری را یافت که طرح‌کنندگان این مسائل در پناه آن، دامنه بحث را تا هر جا که می‌خواستند، پیش می‌بردند و خاطر مسلمانان ساده‌دل را می‌آزردند. پس مسلمانان حق داشتند به سبب این مباحث با نفرت و بدبینی بنگرند.

در مقابل طرح این مباحث و روش علمی آن، و این که آیا عقل می‌تواند درباره شناخت هر چیز حکم قطعی دهد یا نه، آرای مختلفی در جهان اسلام پیدا شده است. برای اینکه این نظرها از یکدیگر جدا شود، در اینجا سیر منطق را به چهار دوره تقسیم کرده‌ام. مقصودم این نیست که این دوره‌ها یکی پس از دیگری به وجود آمده است، بلکه مقصود پیدایش چهار مکتب مختلف است؛ گاهی در عرض، و زمانی در طول یکدیگر.

چهار مکتب

نخست، دوره منکران منطق، یعنی فقیهان، محدثان، واعظان و عامه مردم. اینها نه تنها به منطق و فلسفه روی خوش نشان ندادند، بلکه تا آنجا که توانستند با این علم مخالفت کردند و پیروان آن را به باد ناسزا گرفتند.

دوم، دوره کسانی که روش منطقی را پذیرفتند، اما معتقد بودند که عقل نمی‌تواند از همه جهت حقایق را دریابد و باید برای عقل نگاهبانی گماشت تا آن را از لغزش بازدارد. اینان متکلمان مسلمانند که می‌گفتند در پیروی از روش عقلی باید همیشه شرع را رعایت کرد. از این دسته بعدها دسته دیگری جدا می‌شود که آنان را پیروان «حکمت متعالیه» نام نهاده‌اند. اینان شریعت را نه به عنوان نگهبان عقل قبول دارند، بلکه می‌گویند آنچه شرع گفته است، مطابق با حکم عقل است؛ یعنی بین عقل و شرع تفاوتی نیست.

حقیقت این است که اینان تعبد به شرع را فقط به خاطر حفظ خود و مصونیت در مقابل حمله پیروان دین گزیده‌اند، و اینکه می‌گویند شرع حکمی را جز آنکه عقل بدان حاکم است نمی‌گوید، نوعی تقیه عقلی است که به وسیله این دسته ابداع گردید.

دسته سوم کسانی هستند که منطق صوری و فلسفه‌ای را که بر پایه این منطق بنا شده است، برای شناخت حقیقت کافی نمی‌دانند و می‌گویند تفکر و تعقل برای رسیدن به این منزل، مرکب راهواری نیست و باید با تحمل ریاضت و تهذیب نفس و یاری جستن از پروردگار دل را آماده برای تابش انوار حقیقت ساخت؛ «اشراقیان» و «صوفیه» از این دسته‌اند.

برای اینکه سخن به درازا نکشد، در اینجا فقط به شرح گفتار دسته نخستین، یعنی منکران منطق می‌پردازم و باقی گفتار را به وقت دیگر موکول می‌کنم.

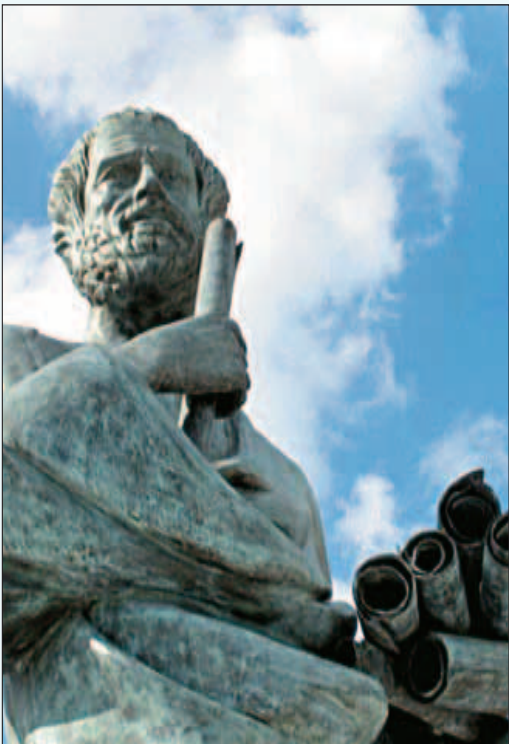
بررسی دیدگاه دسته نخست

منکران منطق طبقه فقیهان، واعظان و اصحاب حدیث‌اند. این دسته در آغاز کار خطر را چندان جدی نمی‌گرفتند و هنگام بحث با مخالفان، پس از ذکر دلایل خویش - از کتاب خدا و سنت

نبوی - هرگاه خصم را در مقام انکار می‌دیدند نه استرشاد، بلکه به روی گرداندن از او بسنده می‌کردند که: «و اذا رأیت الذین یخوضون فی آیتنا فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره»...

حکایتی را که زبان حال این جماعت است، سعدی با نثری شیوا چنین بیان می‌کند: «عالمی معتبر را مناظره افتاد با یکی از ملاحده، لعنهم الله علی حده، و به حجت با او بس نیامد، سپر بپنداخت و برگشت. کسی گفتش ترا با چندین فضل و ادب که داری با بی‌دینی حجت نماند؟ گفت علم من قرآن است و حدیث و گفتار مشایخ، و او بدین‌ها معتقد نیست و نمی‌شنود. مرا شنیدن کفر او به چه کار می‌آید؟»

اما می‌دانیم که روی از بحث و مناظره تافتن نوعی شکست خوردن و خصم را به حجت از خود برتر دیدن است، و پیداست که گستاخ‌تر می‌شود و زبانش گشاده‌تر می‌گردد. شاید بر اثر همین تنبه است که بعداً روش دیگری برای مبارزه گزیدند: تکفیر، تهدید، جدال و از میدان به در کردن خصم از هر راه که ممکن باشد و به هر صورت که میسر گردد.



این راه را بیشتر فقیهان حنبلی و متکلمان اشعری و کرامی و پیروان آنان گزیدند و به زبان مردم درانداختند. راست این است که دسته‌ای از اینان هر چند در علم شریعت کوشش‌ها کردند و بهره‌ها اندوختند، اما هنگام طرح مسائل عقلی، نه فکری چنان روشن داشتند که بتوانند کُنه این مباحث را دریابند و بدان‌ها پاسخ درست بدهند و نه شجاعت و صراحتی که همچون پیمبران خدا بگویند جز آنچه ما می‌گوییم باطل است. سرانجام هم که خواستند با سلاح منطق به جنگ مخالفان خود برونند، از عهده برنیامدند. گروهی که خدا را جسم می‌پندارند یا معتقدند که مؤمنان روز قیامت خدا را با دیده ظاهر می‌بینند و مردمی که عقل را قادر به تمییز نیک از بد نمی‌دانند، بلکه عقل را برای شناخت حقایق ناتوان می‌انگارند، پیداست که نسبت به روشی که برای جلوگیری از وقوع عقل در خطا - به دست مردم یونانی - وضع شده باشد، چه نظری خواهند داشت.

مناظره‌ای در مجلس ابن فرات ابوالفتح فضل بن جعفر (متوفی ۳۲۶ق) بین ابوسعید حسن بن عبدالله مرزبانی از یک سو و ابویشر متی بن یونس قناتی از سوی دیگر، بر سر منطق یونانی رفته است ابوحیان توحیدی این مناظره را در کتاب المقابسات و یاقوت در معجم الادباء ذکر کرده‌اند. مجموع این بحث در حدود ۳۷ صفحه از کتاب اخیر را اشغال کرده است. این مناظره ما را به چگونگی برخورد مسلمانان با منطق یونانی آشنا می‌سازد و وحشت و نفرت مردم مسلمان را از این علم نشان می‌دهد. در این مناظره آنچه مسلم است، هدف مغلوب ساختن طرفدار منطق است، نه سنجش ارزش منطق. ابن فرات به گروهی از دانشمندان که حاضر مجلس او بودند، گفت: «می‌خواهم یکی از شما بحث با متی را به عهده بگیرد؛ چه، او می‌گوید برای شناخت حق از باطل و راست از دروغ و نیک از بد و دلیل از شبهت و شک از یقین، راهی جز با آنچه ما از منطق آموخته‌ایم، نیست».

ابوسعید این مناظره را پذیرفت و از متی پرسید: «بگو منطق

چیست تا بتوانیم درباره آن بحث کنیم». متی گفت: «منطق آلتی است مانند ترازو که بدان کلام درست را از نادرست می‌شناسیم».

مرزبانسی گفت: «خطا گفتی، چه سخن درست از نادرست به عقل شناخته می‌شود و بر فرض که از راه وزن، راجح را از ناقص شناختی، موزون را چگونه می‌شناسی؟ مگر آن زر است یا روی یا مس؟ پس این وزن به کار تو نمی‌آید.

از این بگذریم. منطقی که مردی یونانی براساس زبان و اصطلاح مردم خود وضع کرده است چگونه می‌تواند برای ترکان و پارسیان و عرب حکم و قاضی باشد؟»

متی گفت: «از آن روز که منطق بحث از اغراض عقلی و معانی مدرک را به عهده دارد، و مردمان در درک مسائل عقلی یکسانند؛ مانند حاصل جمع چهار بـه علاوه چهار که نزد همه اقوام یکی است».

ابوسعید می‌گوید: «اگر همه مسائل عقلی مانند این مثال بود که گفتی، درست می‌بود، ولی چنین نیست و با فرض قبول آیا ما نباید از راه لغت به معقولات برسیم؟» متی گفت: «چرا». ابوسعید گفت: «در این صورت، تو ما را به منطق نمی‌خوانی، بلکه می‌خواهی تا زبان یونانی را فراگیریم، یعنی زبان مردمی که سالهاست از میان رفته‌اند، و تو خود یونانی نمی‌دانی، بلکه گفتار یونانیان را از طریق زبان سُرانی به عربی ترجمه می‌کنی». ابویشر گفت: «اگرچه یونانیان از میان رفته‌اند، اما ترجمه، معانی و اغراض آنان را برای ما حفظ کرده است».

ابوسعید گفت: «بر فرض که بگوییم مترجمان به راه راست رفته‌اند و سخنان یونانیان را تحریف نکرده‌اند و الفاظ را معادل معانی آورده‌اند (هرچند لغت قومی تاب تحمل همه معانی اقوام دیگر را ندارد)، تو می‌گویی جز عقل یونانیان و برهانی که آنان نهاده‌اند، دلیلی و حجتی نیست و ما باید مقلد آنان باشیم، چرا؟»

متی گفت: «آنان به بحث در حکمت و حقیقت عالم توجه بیشتر دارند تا سایر ملل».

سپس ابوسعید رشته گفتار را اندک‌اندک از منطق به نحو می‌کشاند و بر سر اقسام «او» یا او به بحث می‌پردازد و متی (که به گفته ناقل) به مسائل نحوی آشنا نیست، درمی‌ماند. ابوسعید چون خصم را ناتوان می‌یابد، به او مجال نمی‌هد، تا آنکه ابن فرات به او می‌گوید او را از مسئله‌ای دیگر از مسائل نحو بپرس. «فان هذا کلما توالی علیه بان انقطاعه و انخفاض ارتفاعه فی المنطق الذی ینصره و الحق الذی لاینصره». جمله اخیر از نظر ما دارای کمال اهمیت است، زیرا نشان می‌دهد حکومت وقت و علمای اسلام منطق را مقابل حق یعنی باطل تلقی می‌کردند، و معتقد بودند باطل را به هر وسیله که ممکن شود، باید نابود ساخت.

توسل به حدیث‌هایی که در تحریم فلسفه و مباحث فلسفی از رسول اکرم (ص) نقل شد، نشانه مرحله‌ای دیگر از این مبارزه است و پیداست که ارزش این حدیث‌ها تا چه پایه است! برای نمونه می‌گوییم، حدیثی به علی (ع) نسبت داده‌اند که روزی در مسجد کوفه بر گروهی گذشت که از «قدر» سخن می‌گفتند. علی (ع) آنان را منع فرمود. در صورتی که می‌دانیم بحث قدر لا اقل سی سال پس از شهادت علی (ع) بین مسلمانان رواج یافت؛ ولی ناگفته نماند که مخالفان منطق از این راه توفیق بیشتری یافتند، چنان‌که از فاصله قرن دوم تا هفتم کمتر عالمی است که به مباحثه کلامی یا فلسفی یا منطقی پرداخته باشد و از تهمت زندقه یا فسق برکنار مانده باشد! یاقوت درباره ابواحمد نهرجوری به خاطر اشتغال وی به فلسفه گوید: «کان سبی، المذهب متظاهراً بالاحاد غیر مکاتم له». طعن و تکفیر فیلسوفان و منطقیان تا آنجا رواج یافت که از محیط مدرسه و مجالس بحث گذشت و بر زبان شاعران افتاد. شاید همه ما این بیتها را از خاقانی به خاطر داشته باشیم که می‌گوید:

قفل اسطوره ارسطو را

بر در احسن الملل منهید

فلسفی مرد دین مپندارید

حیز را جفت سام یل منهید

فلسفه در سخن میامیزید

و آنکھی نام آن جدل منهید

مرکب دین که زاده عرب است

داغ یونانش بر کفل منهید

وحل گمراهی است بر سر راه

ای سران، پای در وحل منهید



فرهنگی

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان ۳۰۴ **اخباریات**

اشاره: در این نوشتار ابتدا به **طور کلی** به دیدگاه انسانهای کهن نسبت به عناصر طبیعت، یعنی دوران موسم به طبیعت پرستی و جاندار پنداری، پرداخته می‌شود و سپس درختان اسطوره‌ای در متون کهن ایرانی و تحولاتی که به مرور زمان در مورد باور های ایرانیان از آن پس تا به امروز نسبت به رستنی ها روی داده است، بررسی می‌شوند.



است که گفته می‌شود در هنگام نماز صبح در روز عاشورا از شاخه های آن صمغ سرخ رنگی جاری می‌شود. اهالی معتقدند که این درخت در قبل از شهادت امام حسین(ع) در اینجا وجود داشته و عمری طولانی دارد و این خون امام است که از آن جاری می‌شود. بنابر اظهار نظر مسئول میراث فرهنگی این استان روی این صمغ مطالعاتی هم انجام گرفته است ولی ترکیبی از خون انسان در آن یافت نشده است. وجود این چنار موجب شده که هر ساله گردشگران داخلی و خارجی شب عاشورا به این مکان بیایند. عده ای نیز نذر ایسن درخت مقدس می‌کنند و حاجت می‌گیرند(ایرنا ۹۲/۸/۲۳ تا ۹۵/۱۰/۳۰). البته این شایعه جدید نیست بطوریکه در دوران شاه سلطان حسین صفوی نیز پس از آنکه شاه از این مطلب مطلع می‌شود دستور تحقیق در مورد این درخت را صادر می‌کند. در کتبی نیز در مورد خصوصیت این درخت مطالبی آمده است (منبع سایت آفتاب، سید جمشید سلیمی، آخرین باز دید۳۰/۱۰/۹۵). بعضی می‌گویند که گونه ای از درخت چنار دارای صمغی سرخ‌رنگ است و در تمام ایام سال این صمغ از آن ترشح می‌شود. بهر حال بی‌پروندن به واقعیت این پدیده نیازمند پژوهش‌های دقیق علمی است.

درختان کهنسال تهران «هفت چنار» است. این درخت چنار تنومند در غرب تهران در محله ای به همین نام قرار دارد. تنهٔ این درخت در نزدیک زمین هفت شاخه داشته است؛ به سخن دیگر هفت شاخه، یک تنه و یک ریشهٔ مشترک داشته‌اند. مردم در قدیم در دیوار کنار این درخت طاقچه‌ای ایجاد کرده بودند و شمع نذر خود را برای این درخت در این مکان روشن می‌کردند. «امامزاده چنار» تجریش، یکی دیگر از درختان

کهنسال و مقدس، در گورستان قدیم تجریش واقع بوده است. البته امروزه این درخت وجود ندارد. مردم برای زیارت این درخت، مانند سایر امامزاده ها، در شب و روز جمعه می‌رفتند.

یک درخت کهنسال دیگر تهران، چنار صحن امامزاده ناصرالدین در محله «پاچنار» است. درخت «چنار خونبار محلهٔ پامنار» تهران در منزل یک روحانی بوده است. می‌گویند اگر کسی پوسنهٔ این درخت را خراش می‌داد از آن صمغ قرمز رنگی بیرون می‌آمد. چنین اعتقاد داشته‌اندکه در روز عاشورا این صمغ از درخت جاری می‌شده و به همین جهت به چنار خونبار معروف بوده است.

درخت چنار دیگری به نام «چنار عباسعلی» یا پنجعلی در منطقهٔ ارگ شاهی تهران در زمان ناصرالدین شاه در اندرون، در کنار مظهر قنات مهرگرد قرار داشته است. زنا حرم برای آن نذر می‌کردند و در کنار آن آش نذری و حلوا و امثال آن می‌پختند. بعدها این درخت را کف بُر کردند.

در بیشتر محله های مختلف تهران ردی از این درختان مقدس را می توان یافت. چنار های کن، باغ فیض، مرادآباد، پونک، حصارک، که بعضی از آنها در کنار حسینیه هایی وجود دارند یا وقف آنها می باشند، از این جمله اند. درخت چنار کهن دیگری نیز در منطقهٔ زیرکنده شمیران بوده که مردم به آن متوسل می شدند و از آن حاجت می خواستند. به آن دخیل می بیستند و برای آن نذر می کردند.

باورهای کنونی در بساره درختان: بعضی از باورهای کهن در مورد درختان به امروز رسیده و بین مردم هنوز رایج اند و پاره ای دیگر با کمرنگ شده و یا بکلی فراموش شده‌اند.

نذرو حاجت خواستن از درختان

مناطق ایران مردم درختان خاصی را مقدس و برآورنده حاجات می دانستند. هنوز عده‌ای به این مطلب که ردپایی از اعتقادات کهن طبیعت پرستی می باشد، باور دارند. این درختان بیشتر در نزدیکی مکان هایی مانند مساجد، امامزاده ها، تکیه ها و یا پرستشگاه هایی که امروزه دیگر اثری از آنها باقی نیست، قرار دارند.

حاجت مندان به این درختان دخیل،که عبارت از نخ و یا ریسمان نازکی است، می بندند و بیدینوسيله برای آن درخت نذر می کنند تا حاجتشان ارا بدهد. بعضی برای بر آورده شدن حاجاتشان در پای این درختان در ایام خاصی مانند شب های جمعه شمع روشن می کنند تا زمانی که حاجتشان بر آورده شود. معمولاً در باره معجزات بعضی از این درختان و حاجت هایی که روا کرده اند اهالی آن منطقه هاداستان هایی نیز نقل می کنند.

درخت‌ودیدن‌ماه‌نودر آسمان

در بین بعضی از مردم این عادت وجود دارد که به از علاقه او به فن تصویر حکایت می‌کند. اصناف هنرمندان از معمّار و حجار و نقاش و مذهب و خوشنویس و آیینه‌کار و کاشی‌ساز و گچ‌بر و خاتم‌ساز و زرگر و میناکار روی طلا و دیگران در این مدت حیاتی از نو گرفتند، در تهران و بعد از آن در تبریز (مقر ولایتعهد) و اصفهان و مشهد و شیراز و غیره آینه طریف و ساختمانهای تازه و کارهای زیبا به ظهور آوردند.

از طرف دیگر تقلید از سلاطین ادوار ماضیه هنرهای تصویر و کتابت چون خطاطی و تذهیب و نقاشی کتابی و جلدسازی مخطوطات و نسخ نفیسه‌برای خزانه‌شاهی و کتابخانه‌های اختصاصی شاهزادگان و وزراء فراهم ساختند و مجالس و تصاویر از رزم و یزم و دورنمای طبیعت و آینه و صورت‌گری و شبیه‌سازی نقش کردند، آثار فراوان از قلمدان‌سازی و گل و بته و تذهیب و میناکاری از هنرهای بدیع این زمان به فراوانی موجود است.

اما از طسرف دیگر در این نصف قرن دروازه

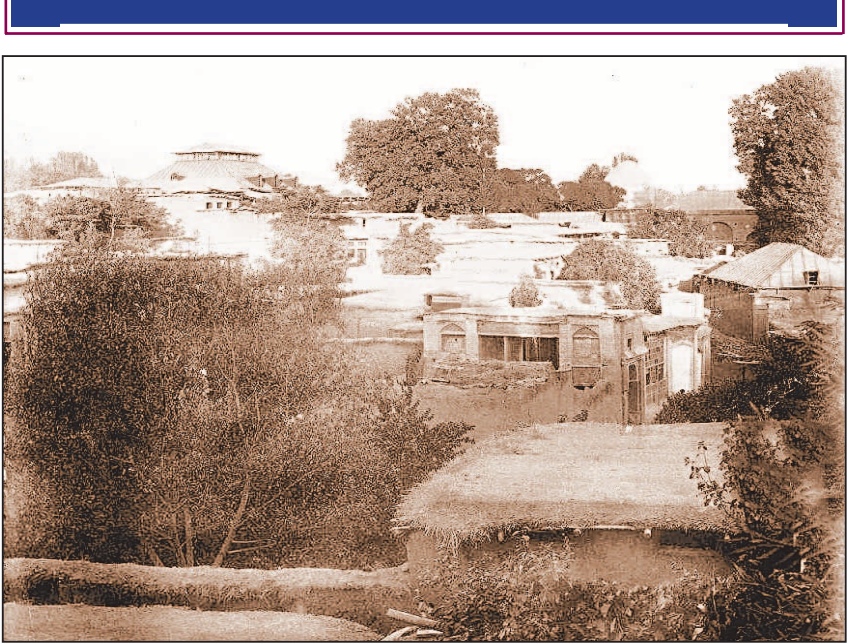
هنگام رؤیت ماه نو در آسمان چشمشان را می‌بندند و برای میمنت و تبرک روزهای آن ماه، پس از باز کردن چشم، به یک درخت و یا گلی زیبا نظر می‌اندازند.

بریدن‌درخت

به طور کلی در نزد مردم بعضی از مناطق ایران بریدن درخت، به ویژه درختانی مانند توت سفید و گردو و امثال آن کراهت دارد و کسی که مرتکب این

باورهایی درباره رستنی‌ها در ایران زمین/۳

درخت در تهران



کار شود اثر بد آن به شکلی پا پیچ و دامنگیر خود و با فرزندانش خواهد شد، مگر اینکه درخت از قبل و به طور طبیعی خشک شده باشد. حتی در بعضی نقاط از سر نوشت آمدهایی که درختانی را بریده‌اند و به مصیبت‌هایی گرفتار شده‌اند داستان‌هایی نیز سینه‌به‌سینه نقل می‌شود.به باور این افراد «درخت افکن بود کم زندگانی» این گفته بر گرفته از آیات حکیمانه‌ی نظامی گنجوی شاعر بلند آوازه‌ی ایران است که می‌گوید:

از آن جنبش که‌در نشو‌نیات است

درختان‌را و مرغان‌را حیات است

درخت افکن بود کم زندگانی

به درویشی‌ی کند نخجیر بانی

از آن فرمود آن دهقان قُمرود

که کُشن دیر باید، کاشتن زود

ضامن درختان بی‌ثمر شدن

اروپا به روی اهل ایران باز شد و اهل فن و ارباب ذوق از راه بادکوبه و پطرزبورغ یا از طریق اسلامبول به ممالک غرب سفر می‌کردند و جوانانی نیز برای تحصیل فن و تکمیل هنر به مکتب‌های نقاشی در پاریس و رم و لندن راه یافتند و روش و اسلوب نقاشی کلاسیک فرنگستان را سرمشق خود قرار دادند.

مخصوصاًنفوذ فن چاپ‌به‌داخل ایران و تأسیس مطبعه‌های سنگی «لیتوگرافی» (Lithography) در تبریز و تهران و دیگر بلاد باعث شد که مجالس کتب مصور را صورت‌نگار هنرور بر روی سنگهای مطایع طراحی و چاپ نمایند و در حقیقت اینگونه کتب چاپی مصور جانشین نسخ خطی مذهب قدیم گردید (برای نمونه رجوع شود به «الف لیله و لیله فارسی» چاپ تبریز و شاهنامه اولیاسمیع شیرازی چاپ بمبئی و شاهنامه چاپ امیربهادر جنگ، چاپ تهران.

با این همه این دوره پنجاه ساله از وجود استادان هنرمند خالی نیست و بعضی نواع در فن

در بین بعضی از مردم باوری در مورد درختانی که یا اصلاً بار نمی‌دهند یا کم بار هستند وجود دارد. رسم اینگونه است که بزرگ خانواده در غروب چهارشنبه سوری با تیر و داس به سراغ این درخت می‌رود و به قصد بریدن، آره یا تیر را به بدنهٔ آن می‌گذارند و می‌گویند که می‌خواهد آن را ببرد. یکی از افراد خانواده که همراه اوست ضامن درخت می‌شود و می‌گوید:

تمام درختان به هنگام شب گاز کرینیک هوا را می‌گیرند و اکسیژن تولید می‌کنند ولی گردو بر عکس عمل می‌کند. چون شب هنگام در اطراف و زیر درخت گردو گاز کرینیک تولید شده توسط گیاه فراوان است امکان دارد شخصی که زیر درخت گردو می‌خوابد دچار کمبود اکسیژن شود.

اهمیت درخت‌سرو

مردم دورانهای باستان درخت سرو را بخاطر بی‌خزانی و سبزی چهار فصلش جاودانه و بیمرگ می‌پنداشتند.

در سرزمین ایران،مردمان هر دوره مطابق با طرز تفکر خود، از درخت سرو تعبیری داشتند.

در حجاری‌هایی که در پلکان شرقی کاخ آپادانا است درخت سرو را در کنار سربازان هخامنشی می‌بینیم. در اطراف کاشان سنگ قبر هایی پیدا شده‌اند که بر روی آنها تصویر سرو حک شده‌است.

در فرهنگ شیعه درخت سرو نماد حضرت ابوالفضل(ع) و همچنین نماد آزادگی حضرت امام حسین(ع) است. دیوارهٔ دو سمت نخلی که در روز عاشورا در نقاط مختلف ایران طی مراسمی می‌گردانند و مردم برای بر آوردن حاجات خود در پای آن قربانی می‌کنند بشکل درخت سرو است.لازم به ذکر است که این نخل را نماد تابوت حضرت امام حسین (ع) و شهادی کربلا می‌دانند.^{۱۱}

در مورد طرح پته جقه‌ای نیز که در حال حاضر نقش آن در پاره ای از آثار هنری ، از جمله قالی وجود دارد، نظریاتی ابراز شده است. بعضی آنرا سرو سر کج می‌دانند و روایاتی در مورد آن نقل می‌کنند.

«این را نبر، من ضمانت می‌دهم این درخت سال جدید بار زیادی بدهد». این جملات توسط این دو نفر چند بار تکرار می‌شود و بزرگ خانواده انمود می‌کند که بخاطر ضمانت آن شخص از بریدن درخت منصرف شده‌است. اعتقاد بر این است که این درخت سال بعد بار زیادی می‌دهد.

به غیر از باورهای بالا، بعضی رستنی‌ها برای مردم کاربرد‌های متعددی دارند، مانند گل ختمی و گزنه و امثال آنها که استفادهٔ درمانی دارند. بعضی مانند اسفند که برای ضد عفونی کردن و یا دفع چشم زخم بکار می‌رود. بطور کلی امروزه رویکرد به داروهای گیاهی رو به رشد است.

خوایین‌زیر درخت‌گردو

در بعضی از نقاط استان مرکزی روستاییان شب خوابیدن زیر درخت گردو را سَنگین می‌دانند و

حاجتشان درختی بکارندو یا اینکه‌قدر درختان را بیشتر بدانند و کمتر به تخریب جنگلها و باغهای درون شهری برای ساخت و ساز غیر ضروری بپردازند.

یادداشت‌ها

(۱۱) شاید ارتباط نام نخل از این جهت باشد که تابوت بنابر شرایط اقلیمی مکان واقعهٔ عاشورا از چوب خرما درست می‌شده‌است. روایتی نیز هست که در روز عاشورا پیکر حضرت امام حسین (ع) را بر روی شاخه‌های درخت نخل حمل کرده‌اند.

سرچشمه‌های فارسی

اولانسی، دیوید، پژوهشی نو در میترا پرستی، ترجمه و تحقیق مریم امینی، نشر چشمه تهران. بهار، مهرداد، اساطیر ایران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲، تهران.

– از اسطوره تا تاریخ، نشر چشمه، چاپ پنجم، ۱۳۸۶، تهران.

به‌زادی رقیه ، بندش هندی ،(تصحیح و ترجمه)، موسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، تهران.

بیبھی، ابوالحسن علی بن زید، معروف به ابن فندق، تاریخ بیبھی، احمد بهمنیار، فروغی، ۱۳۰۸ تهران. پروارو، ابراهیم، پشت هاج، ۲۰۱۰، طهوری ، ۱۳۴۷، تهران.

تفضلی، احمد، مینوی خرد، چاپ چهارم ۱۳۸۵ انتشارات طوس، تهران. خواجه نظام الملک طوسی، ابو علی حسن، سیرالملوک (سیاست نامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم ۱۳۸۳، تهران. راشد محصل، محمد تقی (مترجم)، گزیده های زاداسپرم ،مو سسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۶، تهران.

رضایی، عبدالعظیم،اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، چاپ هشتم، انتشارات دُر، تهران، ۱۳۸۵ تعلق خاطر به جهان مادی است. همچنین سرو را نماد ایستادگی و استقامت می‌دانند.

با بررسی باورهای مربوط به رستنی‌ها در این سرزمین، از دوران کهن تا به امروز، می‌توان به یک نتیجهٔ کلی رسید. این باورها را چه اسطوره‌چه افسانه و چه خرافات بدانیم، یک اصل انکار نا‌پذیر، بدون تردید، در همهٔ آنها مشترک است و آن اینکه نیاکان ما دستار طبیعت بودند، قدر نعمت‌های طبیعت را می‌دانستند و مانند بشر امروزی طبیعت ستیز نبودند. با مهربانی با طبیعت رفتار می‌کردند و از زندگی در کنار آن لذت می‌بردند.

Bartholomae, Christian. Altiranische Worterbuch, Reichelt, Hans: Avesta Reader, Strass-burg, ۱9۱۱, Walterde Gruyter, & Co. Berlin, ۱968. www.attarishafa.com/fa/useful-links/



قلم‌صنیع‌الملک وجود دارد و ذیل کارهای خود «ابوالحسن ثانی غفاری» رقم می‌کرده است.

باید دانست که

نقاشی دیواری از عهد

فتحعلی‌شاه در قصر

و آینه قاجاری به تقلید از اسلاف بسیار مرسوم بوده و تا زمان ناصرالدین‌شاه نیز ادامه داشته. آثار اینگونه

نقاشی در قصر گلستان، تخت مرمر، و عمارت عالی‌قاپو.

در تبریز (مقر ولایتعهد) و در خانه‌ها و عمارات شخصی در بلاد ایران باقی است که همه

جا طاق نماها و لچکی‌های غرف و تالارها را با

تصاویر زیبا و شبیه مردان و زنان و مجالس رزم و بزم و غیره رسم می‌کرده‌اند. صف سلام فتحعلی

شاه در عمارت ملدور باغ نگارستان (محل کنونی عمارت دارالمعلمین - دانشکده ادبیات در شمال

چهارشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۶/سال‌نودویکم– شماره۲۶۶۹۲

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان ۳۰۴ **اخباریات**

لوح

در کوچه باغ اندیشه –۳۱

«مشیت» نانی که می‌خوریم

فضای ذهن در هر دوره ای به دست چیزی تسخیر می‌شود. ذهن انسان دیروز با گرسنگی تصرف شده بود و ذهن انسان امروز با سیری.

♦

دیروز فضای حقیقی روح را دچار آشوب کرده بود، امروز همان کار را فضای مجازی می‌کند.

♦

روح مروراید صدف عقل است. اگر روح نباشد،



انسان هر روز از خدا دورتر می‌شود و خدا هر روز به انسان نزدیکتر .

♦

زندان آدمی ذهن است. انسانی را نمی‌توان یافت که در زندان ذهنش میله‌های ذهن را در دست نگرفته‌باشد.

♦

محدود کننده انسان ذهن است. تا به آن حد که می‌توان گفت «ذهن» قاتل روح انسان است. آری، ذهن قاتل است و روح مقتول. جز ذهن هیچ چیزی نمی‌تواند روح را به قتل برساند.

♦

انسان اگر می‌توانست به نامحدود فکر کند، نامحدود می‌شد. کسانی نامحدود می‌شوند که نامحدود فکر کنند. مقدمه ابدی شدن، ابدی فکر کردن است.

♦

انسان خطاط اضطراب است حتی اگر قلم در دست نگیرد. انسانی را نمی‌توان یافت که پشت میله‌های ذهنش، محدودیت و اضطراب را مشق نکند.

♦

رضایی، عبدالعظیم،اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، چاپ هشتم، انتشارات دُر، تهران، ۱۳۸۵

فردوسی،ابوالقاسم:شاهنامه، فَرَتَبَع‌دادگی،بَنَدَش،گزارنده‌مهردادبهار،انتشارات توس، چاپ سوم،۱۳۸۵، تهران.

فره‌ورشی،بهرام. فرهنگ پهلوی ،انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم،۱۳۵۲، تهران.

نویس، ماهیار: درخت انکارنا پذیر، بدون تردید، در همهٔ آنها مشترک است و آن اینکه نیاکان ما دستار طبیعت بودند، قدر نعمت‌های طبیعت را می‌دانستند و مانند بشر امروزی طبیعت ستیز نبودند. با مهربانی با طبیعت رفتار می‌کردند و از زندگی در کنار آن لذت می‌بردند.

Bartholomae, Christian. Altiranische Worterbuch, Reichelt, Hans: Avesta Reader, Strass-burg, ۱9۱۱, Walterde Gruyter, & Co. Berlin, ۱968.

از فنون نقاشی این عصر گل پته‌سازی و نقش طیور بر روی قلمدان و قاب آئینه و جلد قرآن شریف و جلد کتابهای خطی و جعبه‌های جای جواهر است. یکی از اساتیدی که در این فنون شهره شد میرزاعلی محمد شریف قائینی است که در تصویر قلمدان و شبیه‌سازی کارهای برجسته است و یکی از کارهای او قلمدانی است که صحنه جنگ هرات را به سرداری سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه نشان می‌دهد به تاریخ ۱۲۸۲، و آن در یک مجموعه شخصی در تهران

همیشه با تصویرشان حضور دارند اما نه الزاما با روحشان.

♦

انسان در عقل و عقلانیت با شیطان اشتراک دارد از آن رو که شیطان عقل عقلاست. در این میان آنچه می‌تواند عقل را کامل کند، روح است.

♦

عقل با روح عقل می‌شود. اگر روح نباشد عقل در تناقض‌های بی‌پایان به بن بست می‌رسد.

♦

کسی که مشیت را قبول نمی‌کند، شبیه کسی است که در باغی سر سبز بنشیند و آب را انکار و خاک را نفی کند.

♦

مشیت چیز پیچیده ای نیست. نانی است که می‌خوریم و آبی که می‌نوشیم. مشیت لباسی است که می‌پوشیم و راهی که می‌رویم.

♦

جهان وضع و جعل خدا و ایجادو موجودخداست، اگر کسی غیر از این فکر کند، نه جهان را شناخته است نه خدا را.

♦

در حقیقت ما روی مشیت راه می‌رویم. راه نمی‌رویم مگر در جاده مشیت. وقتی راه می‌رویم جاده مشیت می‌شود و مشیت جاده می‌شود.

♦

مشکلات خاک و بذر یکدیگرند.

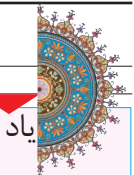
♦

انسانها در حالی عقل را تقدیس می‌کنند که چیزی جز عقل، روحشان را در زندان ذهن به بند نمی‌کشند.

♦

انسانها می‌خواهند همه چیز را با عقل

کریم فیضی



یاد

محمدجواد سالمی پاریزی



سالمی پاریزی

ادامه از صفحه اول
استاد در آخرین مطلبی که در اواخر عمر خود یا به نقل از ایشان «به قول حزین از حیاتم نفس پا به رکابی مانده است» در آخرین کتاب خود به نام «کوه ها باهم اند تحت عنوان من مرغم و این جهان کوه من چنین نوشته اند «اندکی بیش از شصت کتاب و کمتر از هزار مقاله نوشته ام و تقریباً دیگر هیچ آرزویی ندارم جز اینکه حالا دیگر به قول پاریزی ها «آب به کرت آخر است» و ابو یحیی سخت به قلع و قمع مولید بعد از هزارو سیصد افتاده - نمی خواهم به قول کرمانی ها «داغ نخود بسوزانم» ولی بر هر حال آرزویم این است که یک روزی باد خنک شنگ باغ حاج عزیز و نسیم عصرهای «تل خاک سید» پاریز بر مزار من نیز بوزد و در زیر خاک خاطرات وزش بادهای پاریز را از لابه لای شاخ و برگ درخت تاوین خاک سید که پشت خانه ما در پاریز بود در من زنده کند همین و بس و در ادامه مرقوم داشته اند «هر چند همین جمله آخر باز هم بوی قال الغزالی از آن بلند دست که مولانا فرمود:

بوی کین و بوی حرص و بوی از در سخن گفتن بیاید چون پیاز تو خود کیستی که در خور آن خاک پاک باشی - موجود ضعیف ناتوان- آنطور که حسن مطلع مقاله «کوهینه» ما را به حسن ختام مقاله ما را با شعر نظامی کوه همراه می کند:

یکی مرغ برکوه بنشست و خاست برآن که چه افزود و زن که چه کاست

من آن مرغم و این جهان کوه من چه رفتم جهان را چه اندوه من

حال که موضوع «به تل سید» پاریز رسید لازم است گفته شود این «تل» که در دامنه آن خانه های قدیمی روستای پاریز ساخته شده و در واقع موطن اصلی آباء و اجداد اهالی پاریز و محل دفن اموات آنها می باشد و تا همین چند سال پیش مردمان پاریز مدعی بودند نسل آنان در این قبرستان دفن شده و با متفرق شدن نسل بعدی اهالی در جهت کسب سواد و علم، رزق و روزی هرچند که دیگر آن رشته پیوند پاره شده ولی آن قبرستان و «تل» باقی است و آن یادگاران ایام گذشته را در دل خود جای داده است.

در این تل علاوه بر مردمان عادی که مدفون هستند در گوشه ای از آن پرچم های سر برافراشته ای وجود دارد که نشانگر مدفن شهدای جنگ تحمیلی است و این اواخر یک سرو ایستاده قامت که از مدافعان حرم بود و قامتش در دفاع از آرمان های خود در خون خویش غلتید که نشانگر شجاعت و شهامت مرد پاریزی، «سردار سرتیپ شهید حاج محمدعلی اله دادی است» که در سینه خود جای داده و قامت روستای پاریز را افزون کرده است که البته ماندگاری پاریز و این تل دو صد چندان گردیده که در رابطه با این شهید والا مقام باید در موقع مناسب بیان مطلب شود.

داستانی داریم از روزگاری که شرکت مس سرچشمه کرمان به منظور راه اندازی استخراج معدن سرچشمه ابتدائاً اقدام به خرید املاک حوالی آن از قبیل «راه زن، کنتو، مانی (محل فیلمبرداری فیلم شیار ۱۴۳ ساخته خانم نرگس ایبار، ترشاو» و ... نمودند.

از اهالی یک پیر زالسی بود که در فروش کُتوک ها یا گنبه های خود (اتاقک های زیرزمینی که سقف آن با چوب پوشانده می شد به طوری که تقریباً همسطح زمین بود) و ملک پدری خود باز

هم به قول پاریزی ها «من و من» می کرد.

استاد نوشته اند: «این ناحیه عموماً کوهستانی است و آبادی های آن در ارتفاع بیش از ۲۰۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته اند و زمستان ها کاملاً از برف پوشیده می شود.

بدین جهت مردم بیغوله هایی در دل خاک کنده اند و روی آن را با شاخه های چوب که به

درباره استاد باستانی پاریزی

یادی از استاد



اصطلاح خودشان به هم «قوج داده اند» پوشیده و بوته و خاک روی هم ریخته و اندود کرده اند و یک دریچه کوچک برای آمد و رفت دارد (=گنبه) هر کدام از این گنبه ها را ۵-۶ هزار تومان آن وقت خریدند و فروشنده ها هم راضی بودند.

پیرزنی ۲-۳ تا از این گنبه ها داشت. فروخت. درخت توت جلو گنبه را هم جداگانه اجاق را که بیرون گنبه بود هم فروخت، دنبه آورد. و گفت روی گنبه نیست و ۲-۳ بار فروخت و برای هر کدام قیمت خاص معین کرد.

چوب های اضافی را هم قیمت زد و بها گرفت و دما دم آخر که می خواست روی وانت سوار شود و به فرسنگان برود نگاهی به قبرستان آبادی خود انداخت البته بیش از ۵-۶ قبر سنگ چیل نبود، نگاهی انداخت قبر مادرش آنجا بود آخرین کلام او که با قطره اشکی همراه بود این بود: نمی دانم این یکی را چکار کنم؟!»

کجا روم من از این جاجهان من اینجاست که من کیو ترم و آشیان من این جاست

از این وطن که زجانم عزیز تر دارم چگونه دل بکنم من که جان من اینجاست چگونه من به سر برآرم در آن دیار غریب

که خانه من و نام و نشان من اینجاست او درواقع می دانست که هویت و اصل و نسب خود را در معرض فروش قرار داده است. مطلب را در مورد پاریز خلاصه کنیم چون روایتگر تاریخ پاریز که خود روزگاری طفلی بود و قصه ها را از پدر بزرگان و پدر خود شنیده بود. دیگر امروز خود پدر بزرگی شد یا بازم به قول پاریزی ها «با بو= پدر بزرگ» قصه گویی شد که خود «افسانه ای چند به عالم گفت»

دنیاست فسانه پاره ای ما گفتیم وان پاره که ماند دیگری می گوید «ژان اون» ایران شناس معروف فرانسوی

درباره تاریخ کرمان جمله ای ذکر کرده که شنیدنی است وی نوشته «کسی که تاریخ کرمان را به درستی بخواند مانند آن است که تاریخ همه جهان را خوانده باشد» و یا به نقل از استاد «سرزمینی

که وستعش به اندازه سرزمین انگلستان و نصف فرانسه است به تنها یک تاریخ مدون او به اندازه دو برابر سرزمین آمریکا، قدمت و کهنگی دارد» بدون شک تاریخ کرمان با آن سابقه دیرینه ای که دارد و نمودارهای گذشته آن هنوز بر جای مانده علیرغم وجود سابقه تاریخی آن بر خلاف سایر شهرها که از رهگذر زمان از حکومت های حاکم بهرمند

بازیگرانش، شمع با توفانش، پیر با سبز پوشانش، پلنگ با پوستش، درخت با جواهرش، کرمان با گذرگاه زمانش، انسان با حضورش، از هفت عروس با یک دامادش، از کجاوله با عدم تعادلش، از هزارستان با هزارستان، از بوری و حصیر در حصیرستان، از بارگاه تا خانقاه، از هواخوری در باغ تا زیر چهل چراغ، از اسب تا شهر نی سواران، از کاسه تا کوزه تمدن، از گنج علی خان با حمام و دلاک ها و مشیت و مالی آنها، و از پاریز تا پاریس و به مشابه سروده شاعر:

بشکن و پیوند کن با شاخ از خود رسته ای میوه ای که از شاخ پیوندی رسد شیرین تر است آنچنان نقش شیرینی از تاریخ تلخ در روش تاریخ نگاری با مضامین مرتبط با آن به کار گرفته که آدمی را وادار به تفکر می کند که این کدامین قلم بوده که توانسته این قدر مداومت کند و نوک نشکند و این کدامین تفکر و اندیشه با چه گستردگی ای بوده که این چنین قلم را وادار به نوشتن کرده که این گونه پیوند بین حکایت و قصه و ضرب المثل و اصطلاحات محلی و اشعار منطبق با موضوع را به وجود آورده که وسوسه و شوق و ترغیب به خواندن را به همراه داشته که خواننده، گاه در کویر، گاه در شهر، گاه در قصر، گاه در تاریخ، خود را می یابد.

می درم گاهی ز آه و گاهی می دوزم به اشک چاک جیب کسوه را با دامن صحرا به هم استاد ما که مرد بیابانی و کویری بود همچون کویر خستگی ناپذیر بود و گرچه ساکن شهر بود ولی دل در گرو بیابان و کویر داشت و به قول صائب تبریزی

برآرمیدگی خاطر م نگاه مکن اگر چه ساکن شهرم، دلم بیابانی است استاد در رابطه با کویر کرمان این چنین ذکر مطلب نموده است «کرمان در این مدت طولانی تاریخ تا کنون سی و پنج هزار کیلومتر قنات که از طول راه های زمینی آن بیشتر است، توانسته فاتح اصلی مبارزه با بیابان کویر شود و آن آتش پرتلهاب برون کویر را با آب باریکی که از قنات های درون کویر بیرون کشیده فرو نشانده و به زبان حال فاتحان تاریخ مضمون این شعر را به زبان آورده

یا روان سوز فکن در دل ویرانه ما

که کلیم آید و آتش برد از خانه ما» به راستی برای حفر این قنات ها و کاریزها که با کمک لوازم اولیه دست ساز از قبیل: چرخ چاه با دلوهای حصیری و طناب های «سی سی» بافته شده از ریشه درختان خرما با تغذیه ای از نان جو با مقدار اندکی کشک با کمک دستانی تاول زده «کهکین ها = حفاران و مقنیان» بدون هر گونه وسایل شناسایی مسیر آب و تنها با کمک بعضی از مردمان با گوش نهادن بر زمین مسیر قنات هارا تشخیص داده و از زیر کویر بیابان های کرمان و یزد و نائین و با چه تلاشی که حیرت آدمی را برمی انگیزد که اینان چگونه مردمانی بودند که این قدر صبورانه و پرتوان و خستگی ناپذیر چندین کیلومتر مسیر قنات هارا شناسایی و حفاری کردند. آنگاه آن آب به سرچشمه قنات می رسید و مردمان با آن آب هم دامداری می کردند و هم کشاورزی، و خود رابه قول کرمانی ها «از سال به در می کردند».

این جریان، سالیان سال وجود داشته و باعث ادامه حیات آدمیان در طول قرون و اعصار بوده است مضافاً از درآمد حاصل از این محصولات، شکم اربابان قدرت و حاکمان ظالم را در روزگاران صلح و در زمان جنگ دیگر موضوع مشخص و جای خود را داشته که تهیه غذا برای سربازان و امیران و تهیه علیق، علوفه، برای حیوانات، به چه نحو و کیفیتی بوده که با اندکی تأمل و تفکر نسبت به آن دیگر ضرورت به ادامه بیان آن وجود ندارد.



نوقان یا نوقان

نوقان در تاریخ-۵

دکتر محمدحسن ابریشمی

سمعانی خود اهل [شهر مرو] خراسان، و با زبان محلی آشنا، بوده و ضبط صحیح آن را در کتاب خود آورده است.

این نکته که یاقوت در مورد ثبت «نوقان» (به ضم حرف اول) اشتباه کرده است نمی توان قطعی شمرد، چون اولاً وی مدت سه سال (۶۱۴-۶۱۶ هـ) در شهر مرو به مطالعه و تحقیق پرداخته و از ده کتابخانه این شهر، از جمله «دو کتابخانه از آن سمعانی‌ها» از اجداد و اعقاب ابوسعید سمعانی، بهره‌ها جسته (معجم‌الادباء، ج ۱، ص ۴ و ۵، سخنی از مترجم)، و با نام‌های مواضع و آبادی‌های مرو و دیگر بلاد خراسان آشنا بوده، بنابراین ممکن است که اشتباه از آن کاتب قدیم‌ترین نسخه معجم‌البلدان باشد؛ ثانیاً بدان دلیل که

در ترجمه فارسی مشترک، با عنوان گزیده مشترک، تألیف یاقوت حموی، نام این شهر دروجه «نوقان» (به فتح حرف اول) آمده نسبت اشتباه به وی منتفی است؛ مرحوم محمد پروین گنابادی (۱۲۸۲-۱۳۵۷/۶/۱) مترجم فارسی مشترک تعریف یاقوت را نقل کرده: «نوقان: یکی از دو شهر طوس است که گروه بسیاری از دانشمندان از آنجا برخاسته‌اند» (گزیده مشترک، ص ۱۸۰)؛ وی در حاشیه «نوقان» شرحی تحقیقی مبنی بر تعیین مواضع دو شهر «طبران» و «نوقان» قدیم نوشته است:

طوس در خراسان ناحیه‌ای بزرگ به شمار می‌رفت که دو شهر عمده آن «طبران» و «نوقان» بود. طبران مرکز طوس را تیمور[حکومت ۷۷۱-۸۰۷ هـ] ویرانه ساخت، و همان جایگاه مخروبه‌ای است که اکنون آرامگاه سخندان نامور فردوسی در آنجاست؛ و نوقان که به صورت «نوغان» و «نوکان» هم آمده است از کوی نوغان کنونی مشهد تا خواجه ربیع امتداد داشت، که هم‌اکنون بخشی اندک از آن به نام کویی در مشهد است. گویا اصل کلمه «نوگان» یا «نوکن» باشد، همچون «رادکان» و «شادکن» یا «تبادکان» و مانند اینها؛ رجوع به «طوس» و «نوقان» در سرزمین‌های [خلافت] شرقی [تألیف لسترنج] و دایره‌المعارف اسلامی (طوس)، و فهرست تاریخ سیستان مصحح مرحوم بهار، و دیگر متن‌های جغرافی و جغرافیای تاریخی شود.

پژوهشی در باب ریشه و اصل «نوقان»

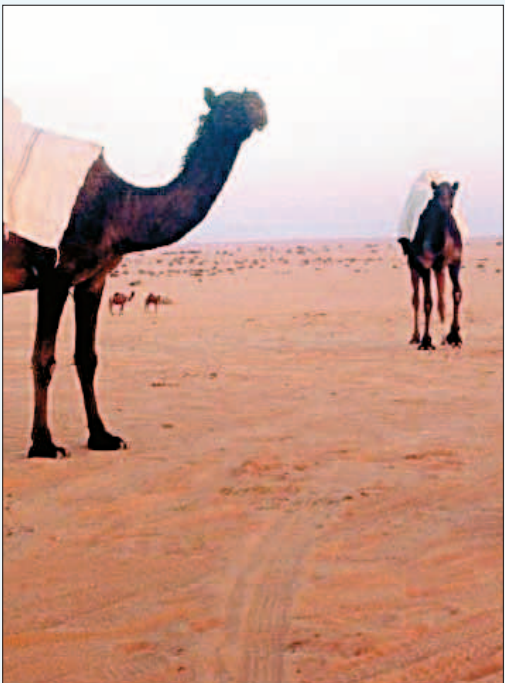
روانشاد جلال‌الدین همایی نیز در «ترجمه حال امام محمد غزالی» مندرج در مقدمه کتاب نصیحه الملوک (ص ۱۵۲) نام این موضع کهن را در وجه «نوغان» نوشته است: «... شهر طوس مانند نیشابور و مرو و هرات یکی از کرسی‌های مهم خراسان بود و به دو بخش بزرگ، که یکی طبران و یکی نوغان است، تقسیم می‌شد...» اما به گمان صاحب این قلم نوقان صورت معرب شده کهن کلمه مرکب فارسی نوگان، نام ایرانی شهر مزبور، مرکب از واژه گویشی فارسی نو (مخفف ناو، در واژه مرکب «ناودان»، به معنی جوی و نهر، دره‌ای که رود از میان آن بگذرد، ۲۷ مجرا) و کلمه گان مزید مؤخر امکنه و نیز پسوند نسبت و اتصاف است. نام موضع «نوقان» قدیم با واژه گویشی فارسی «نوقان» یا «نوغان» و «نوغانه» مصطلح در بین ایرانیان نواحی سرخس و مرو (به معنی جوی یا نهر و آبراهه احدائی) در عصر قاجاریه از یک اصل و ریشه، و مأخوذ از «ناوگانه» موصوف است. امیر نظام (قراگوزلو) همدانی، در سال ۱۲۹۴ هـ / ۱۲۵۶ ش، در گزارش سرخس می‌گوید (ص ۸۷):

در تفصیل و تعریف قلعه مبارکه خود سرخس... به فاصله دو هزار قدم در طرف مغربی رود سرخس بنا شده است. و بنیان قلعه، در قطعه زمینی است، که بالنسبه به سایر نقاط آن اراضی گودتر است... گمان جمعی این است که اگر این بنادر محل مرتفعی [ساخته] می‌شد بهتر بود، و به این اعتقاد خود دلایلی دارند: یکی آنکه تقریباً از یک تیررس توپ، زمین‌های اطراف قسمی واقع شده که برای دشمن حکم سنگر طبیعی دارد.

دیگر آنکه در نزدیکی قلعه از هر جانب جوی‌های بزرگ و عمیق، که به اصطلاح آنجا «نوغانه» می‌گویند، واقع است که ممکن

است قریب پانصد سوار در آنجا کمین کنند... همو، در کتابچه مرو ضمن شرح چگونگی تقسیم آب سد، نوشته است (ص ۱۲۴، ۱۲۵):

اما در خصوص آب و زمین «مرو» و طایفه «تکه»: بندی که از سابق در حوالی «قلعه محمد نیاز بای» بسته شده است و همه وقت هزار خانوار در سرپند سکنا دارند و مستحفظ بند هستند و از طرفین بند دو جوی بزرگ علی‌السویه جدا می‌شود و هر یک از دو جوی باز به دوازده قسم منقسم می‌شود که به اصطلاح تراکمه آن جوی‌ها را «یاب» یا «نوغانه» می‌نامند و هر یک از یاب‌ها مختص



یکی از طوایف جزیری است... الحاصل، آب و زمین را قسمت می‌کنند. هر طایفه جزئی، که یک «نوغانه» دارد و یک نفر میراب نیز از خود معین کرده‌اند که مراقب آب و زارعین باشد...

محمدحسین مهندس در سال ۱۳۱۱ قمری به دستور ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله، حاکم وقت ایالت خراسان، گزارشی درباره سرخس نوشته، و چند بار کلمه «نوقان» و «نوغانه»، گویشی از «نوقان»، را ضمن شرح و اوصاف روستاها و آبادی‌های نواحی سرخس و نهرهای آن منطقه آورده، از آن جمله است:

... لازم است نهر و «نوقانه دولت‌آباد» و تنقیه [لای روبی] شود و ممتد گردد تا مقابل قلعه قصاب [۱۲ کیلومتری جنوب سرخس] و به «نوقانه کندکلی» وصل شود... (ص ۳۱)

محمدحسین مهندس در گزارش خود ضمن اشاره به حاصلخیزی خاک و استعدادها کشاورزی و اقتصادی ناحیه سرخس، از کمی جمعیت و ویرانی روستاهای آن سخن گفته است. وی پیشنهاد می‌کند که با احداث جوی (نوقان)‌هایی آب هریرود را می‌توان به روستاهای خرابه منتقل کرد و موجبات جلب جمعیت و آبادی و توسعه کشاورزی ناحیه را فراهم آورد (ص ۳۱-۳۲):

[حاکم خراسان باید] هر قدر ممکن است خانوار این محل را متزاید فرماید و خانه‌های متعدد جهت رعیت ساخته شود و قلعه آنها تعمیر گردد... و می‌تواند باغاتی طرح نمایند و درختی غرس کنند... این امتیاز در دولت آباد است نه سایر توابع سرخس. قلعه قصاب و آسیاباد و قلعه نو هم که از توابع سرخس محسوب می‌شود، در کنار هریرود، بین دولت‌آباد و سرخس واقع است؛ و به جز آسیاباد - که به ملکیت محمدتقی میرزای مترجم، کارگزار سرخس، مرحمت شده است و چند خانواری سکنا داشته - دو موضع دیگر مخروبه و بی‌سکنه است و [با] استعداد آبادی... اگر دو هزار خانوار بخواهند زراعت نمایند گنجایش دارد. زیرا که زراعت سرخس بهاره است و در فصل طغیان آب؛ و معلوم است به توسط «نوقان‌های» متعدد می‌توان به مقدار زیاد از رودخانه آب جدا نمود و تا زمان احتیاج به آب، که آخر ماه جوزا [خرداد] باشد، مقدار آب «هری‌رود» نقصان کلی نمی‌پذیرد و میزان آب در کمال طغیان در هر موضعی از نقاط سرحد سرخس که تقریر شود قریب به هزار سنگ [هر سنگ حدود ۱۴ لیتر در ثانیه] می‌رسد که اگر خمس یاسدس [یک پنجم یا یک ششم] آن را به مصرف برسانند متجاوز از هزار خروار در سرخس و توابع بذر می‌شود.

... حال اگر تقسیم آب را در سرپند دولت آباد قرار دهند باید آب تابستانی سرخس هم از نوقانه دولت آباد سیر کرده تا

به «نهر کندکلی» برسد و از آنجا به

سرخس برسانند... (ص ۳۳)

... به طوایف تیموری و جمشیدی و غیره، که در صحراهای سرخس مرتع و چراگاه آنهاست، قدغن سخت شود که در حدود «نوقان‌ها» گوسفند نچرانند و از مواضع مخصوص که پل ساخته شود عبور کنند. در صورت رعایت و اجرای دو مسئله معروضه، و اهتمام حکومت و رعیت، در حفظ «نوقان‌ها» و رساندن آب، مقدار آبی که

به سرخس وارد شود اقلاً یک سنگ خواهد بود... (ص ۳۳-۳۴).

... قلعه قوشه‌خانه الی دهنه خانگیان قریب به چهار فرسخ است که به هیچ وجه آبادی ندارد و می‌توان این حدود را به توسط نهر و «نوقانه کندکلی» زراعت نموده و سکنه قرار داد و در معابر مخصوص قراول خانه ساخته و... (ص ۳۸).

شواهد مزبور دلالت بر آن دارد که «نوقانه»، گویشی از «نوقان» عبارت از جوی یا نهر احدائی متصل به رود یا نهر اصلی بوده که به منظور انتقال آب به سرخس، و روستاها و باغستان‌ها و کشتزارهای آن نواحی ایجاد شده و این نوقانه‌ها نیاز به نگهداری و لای روبی داشته است.

همان‌سان که گذشت واژگان «نوقان» یا «نوغان» کلماتی مرکب و مأخوذ از «ناوگان (ناو+گان)» است. به همین ترتیب کلمه «نوغانه» نیز گویشی از کلمه مرکب «ناوگانه» فارسی (در لهجه محلی اهالی مرو و سرخس در عصر قاجار و پیش از آن بوده) که در آن «نو» مخفف «ناو» به معنی جوی و نهر، و «غانه» گویشی از «گانه» (پسوند اتصاف و نسبت) است.

در کتاب البلغه (کتاب لغت عربی فارسی تألیف ادیب یعقوب کردی نیشابوری، در سال ۴۳۸ قمری) آمده است: «حف: ناوچه»، «ناوق: ناوه» «میزاب، مثعب: ناودان» (ص ۱۱۵، ۱۳۲، ۳۲۴)؛ در السامی فی الاسامی (تألیف ابوالفتح احمد میدانی نیشابوری، قرن پنجم): «نقیره: ناوه» (ص ۱۸۰)، و در الایانه، شرح لغات السامی فی الاسامی (از مؤلفی ناشناخته): «قرو: ناوه گل، و هو اصل الشجره یتفر فیجبل فیه خراطین یسمی بالفارسیه لاوک، ص ۶). زمخشری خوارزمی (۴۶۷-۵۳۸ قمری)، در مقدمه الادب: «فائور: تشت سیمین، خوانچه سیمین، ناوچه»، «نقیر: ناوه خمیر»، «مخضب: ناوه رنگ [خضاب]، خضاب دان» (ص ۱۳۸، ۱۴۸)، مؤلف ناشناخته تاج الاسامی (تألیف قرن هفتم هجری): «قرو: ناوه گل، قدح، قفاره... و حوض دراز که پهلوسوی حوض بزرگ کنند، یا ناو که پهلوی حوض نهند از بهر آب خوردن استوران [چارپایان] را»، «نقیر: ناوه و چوبک» [درست آن «جویک»: شبیار] دانه خرما» (ص ۴۵۹، ۵۸۶). در منابع لغات برای واژه فارسی «ناو» و «ناوه» معرب آن «ناوق» معانی فارسی و معادل‌های عربی زیادی چون: جوی، نهر، دره بستر رود، دره پرجوی و جویک سرسبز، هر چیز میان تهی دراز چون کشتی و آبشخور ستوران، آنچه گندم بدان از دول (دلو) به گلوی آسیا ریزد، چوب دراز میان تهی که آب از آن به چرخ آسیا می‌ریزد و آن را به گردش درمی‌آورد، ظروف چوبین و سفالین بزرگ، لاوک، قفار، پنگان، لگن، تشت، و نیزشیر پشت اسب و آدمی، و شبیار یا جویک دانه خرما و گندم و امثال آن آمده است. واژه فارسی «ناو» در لهجه خراسانی «نو» گفته می‌شود همان سان که واژه «گاو» با تلفظ «گو» تداول دارد؛ همچنین در بین فارسی زبانان افغانستان «ناوه» به معنی «دره سرسبز» و نیز «ناودان» مصطلح است (افغانی نویس، ص ۵۵۹). علاوه بر این در برخی نواحی خراسان «ناوه گل کاران» را «نوه» و «ناودان» را «نودوو» تلفظ می‌کنند؛ و در نواحی تربت حیدریه و خواف و کاشمر و محولات و نیشابور و برخی نقاط دیگر کلمه مرکب «نود شور / نود شر» را برای ناودان به کار می‌برند که مرکب از «نو» مخفف «ناو» و «شر» جزئی از کلمه مرکب «شرشر»، لفظی صوتی (آوانام / onomatopoeia)، است که صدای ریزش آب از بلندی (پشت بام) را تداعی می‌کند.

پی‌نویس‌ها:

۲۷. نظامی عروضی در چهار مقاله (ص ۳۱) ضمن شرح اقامت طولانی نصر بن احمد سامانی در ناحیه بادغیس (در شمال هرات) در فصل بهار اشاره به دره (ناو)‌های سرسبز و پرآب و علف آن ناحیه دارد: «... بادغیس خرم‌ترین چرا خوارهای خراسان و عراق است، قریب هزار ناو هست پرآب و علف که هر یکی لشکری را تمام باشد...».

شکست‌نیر و های میر محمودقندهاری از قزوینی‌ها

۱۲ اپریل ۱۷۳۳ کے نیروہای میر محمود قندھاری در تعقیب طهماسب میرزا پسر شاه سلطان حسین وارد قزوین شده بودند توسط قزوینی ها کشتار شدند و بیش از دو هزار کشته تلفات دادند و مابقی به اصفهان گریختند و جریان را به میر محمود خبر دادند و وی از فرط خشم، باز ماندگان خاندان صفوی و مقامات سابق را کشت. طهماسب میرزا در آخرین روزهای محاصره اصفهان از این شهر فرار کرده بود. اصفهان در جریان جنگ داخلی ایران، در اکتبر ۱۷۲۲ به دست میر محمود افتاده بود طهماسب میرزا که پس از قتل عام خاندان صفوی در اصفهان، به نام طهماسب دوم، شاه شده بود بممانند پدرش مرتکب چند اشتباه سیاسی شد از جمله این که به عثمانی امتیازهایی داد و با ورود روس ها به قفقاز موافقت کرد، به این شرط که این دو دولت از شاه بودن وی حمایت کنند. این اشتباهات سبب شد که توسط نادر که فرمانده ارتش بود برکنار شود. نادر تعیین شاه بعد از رابعه میرزا کشور و نمایانگان شهرها گذارد که آنان در اجتماع خود در دشت معان در وادی بایجان، واری را به آن مقام بخند و به همین لحاظ، مورخان «نادر اک شاه انتخابی» نوشته اند.

سازش همواره با نقض حاکمیت ملی پذیرفته نیست

دکتر علی امینی نخست وزیر وقت ایران هفتم فروردین ۱۳۴۱ اعلام داشت که ایران مایل است با جماهیریه شوروی روابط دوستانه داشته باشد و با این دولت همزیستی مسالمت آمیز کند، ولی زیر بار آن نوع سازش که مغایر حاکمیت و استقلال ملی اش باشد و تناقض حقوق ایرانیان نمی رود و اگر روس ها علاقه مند به دوستی با ایران باشند نباید چیزی بخواهند و کاری کنند که حاکمیت ملی و حقوق طبیعی ایران را نقض کند. دکتر امینی این مطلب را به مناسبت پایان جنگ رسانه ای مسکو - تهران و در دست در سال و آغاز آن بیان داشت.

مکان ۱۸ هزار ۱۰۰ تومان شد

در نیمه فروردین ۱۳۳۸ دولت وقت ایران با افزایش بهای اتومبیل پیکان (که در سه نوع ساخته می شد) موافقت کرد. میانگین میزان افزایش ۶ درصد بود و باین افزایش، میانگین بهای سه نوع پیکان ساخت ایران به ۱۸ هزار تومان رسید. بهای پیکان در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ هجری خورشیدی بر حسب نوع از ۱۵ هزار و ۱۷۰ تا ۷ هزار و ۱۹۰ تومان فروخته می شد.

www.iranianshistoryonthistday.com



تیریز شہر جهانی بافت فرش - عکاس محمد محسنی فر - مہر

پند بزرگان

-احساس وظیفه در کار، نیکو و در روابط، آزاردهنده است. انسان‌ها تشنه محبت اند نه ماقبت.

برتراند راسل

- اگر ندانید که به کجای می‌روید، هر راهی شما را با خود خواهد هدایت.

توماس کارلایل

مما

الاله کوهساران هفته‌ای بی
بنفشه جو کناران هفته‌ای بی
منادی میکره شهره به شهره
وفای گل‌آذاران هفته‌ای بی

بابا طاهر عم بان

جدول شرح در متن

۴۳۹.

غلام محسن، باغبان

[illegible]

سودو کو

1878

	9		5					3
6		3				5		
	4				3	1		
2				3				
			2					
				6				5
		1	4	1		3	5	
		5				7		4
3					6			

۲	۷	۸	۱	۹	۵	۳	۶	۴
۳	۶	۴	۲	۷	۸	۱	۹	۵
۱	۹	۵	۳	۶	۴	۲	۷	۸
۸	۲	۷	۵	۴	۱	۹	۳	۶
۹	۱	۳	۸	۲	۶	۵	۴	۷
۵	۴	۶	۷	۳	۹	۸	۲	۱
۶	۸	۲	۹	۵	۷	۴	۱	۳
۷	۳	۱	۴	۸	۲	۶	۵	۹
۴	۵	۹	۶	۱	۳	۷	۸	۲

حل ۱۸۲۷